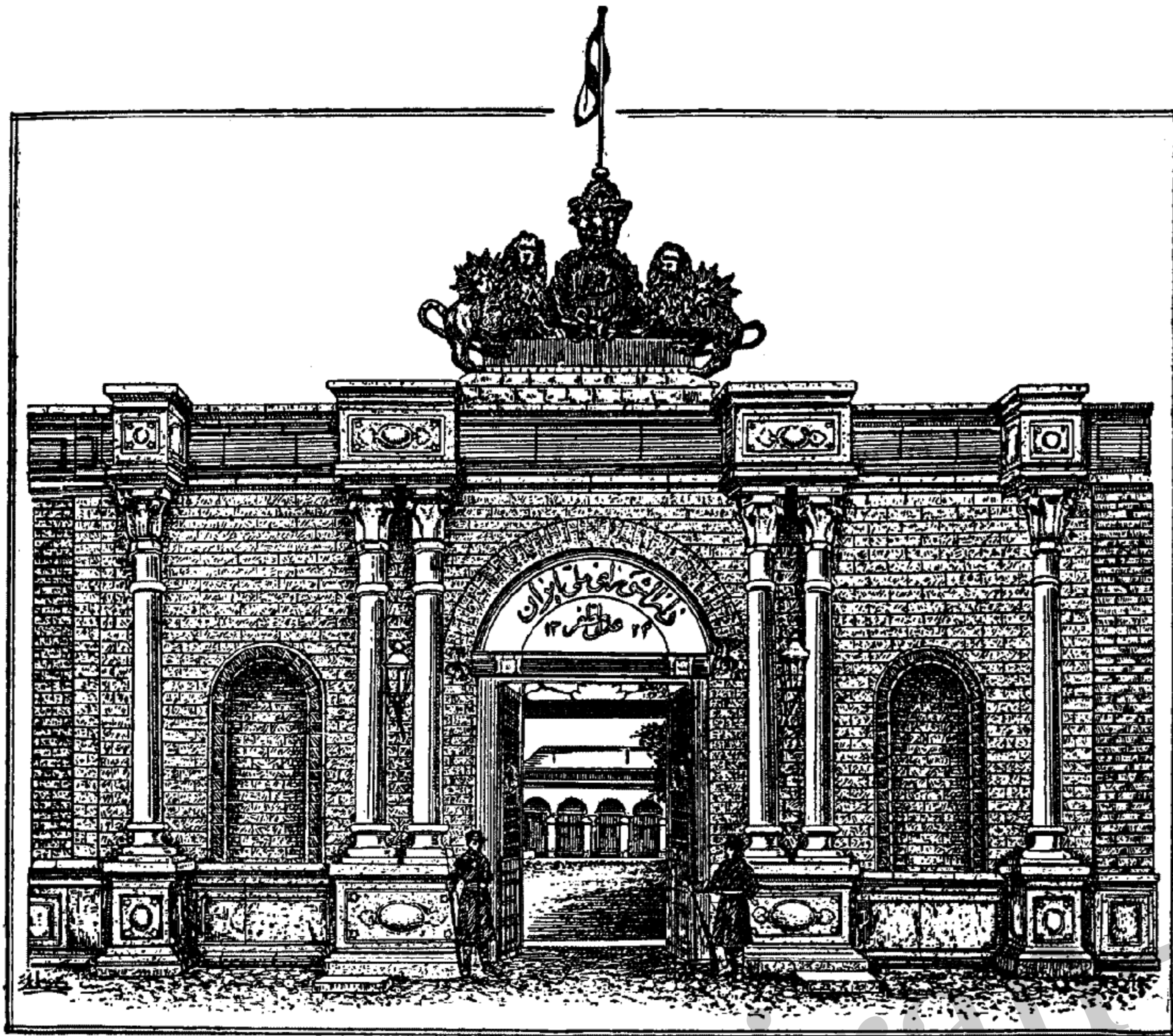


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۴۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۰۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۶ ذیقعده الحرام ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود یس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۶ ذیقعده الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۲۴۴

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس يوم سه شنبه ۲۵ اردیبهشت
را آقای دولتشاهی قرائت نمودند)
غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: آية الله زاده خراسانی - نکهبان - میر ممتاز
حیدری مگدی - دهستانی - میرزا محمد تقی طباطبائی -
امیر تیمور کلانی - افسر - آقا زاده سبزواری - امامی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقای اسعد	۴۴۱۰	
۲	ادامه مذاکرات نسبت بخر کیمسیون بودجه راجع باعزام محصل باروینا	۴۴۱۱	۴۴۳۶

www.iranarchive.com

خوئی - نفة الاسلامی - جهانشاهی - اسکندری - جوانشیر
سلطان محمد خان عسری - محمود رضا - میرزا حسین خان
ابراهیمی - مولوی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - جمشیدی مازندرانی - ذوالقدر -
حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - قوام شیرازی -
مهدوی - مقدم - عباسمیرزا - حاج حسن آقا ملک -
لیقوانی - محمد ولیمیرزا - فرشی - حاج غلامحسین ملک
در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: امام جمعه شیراز - ملک مدنی - دشتی - شریعت
زاده - الحمی - حاج آقا حسین زنجانی - معتضد
استرآبادی

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: روحی - مرتضی قلیخان بیات -
رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض میکنم که بنده خواستم تذکر بدهم
که آقای جمشیدی علت غیبتشان این است که یکی از
بستکانشان سخت افتاده و مرخصی هم خواسته اند منتها
بواسطه عدم انعقاد کمیسیون عرایض اجازه داده نشده
خواستم این تذکر را بدهم تا اینکه کمیسیون تشکیل
شود و اجازه ایشان صادر شود و دیگر اینکه این
اولین دفعه ایست که ایشان مرخصی خواسته اند

رئیس - دستور عهد نامه مودت و تجارت باهلستان
است

بعضی از نمایندگان - بعد از لایحه اعزام محصلین

رئیس - بعد از لایحه اعزام محصلین

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه را جم بطلب

آقای احتشام السلطنه جزو دستور شود حشمتی

حشمتی - خاطر محترم آقایان مستحضر است که این

طلب آقای احتشام السلطنه متعلق بزمان سفارت کبری
اسلامبول و مخارج اعضاء سفارتخانه است در موقع جنگ
بین المللی که دولت نتوانست طلب مسلم اعضاء را
بفرستد آقای احتشام السلطنه مجبور شدند برای حفظ
حیثیات مملکت و دولت این وجه را قرض کنند و
حقوق اعضاء و مخارج سفارت را بدهند از آنوقت تا
بحال این وجه همینطور مانده و ایشان در چنگال طلبکار
های خارجی گرفتارند يك دقیقه این کار بیشتر صرف
وقت ندارد آقایان محترم مساعدت بفرمایند که این
لايحه مطرح شود و تکلیفش معلوم شود که حقیقه يك
نفر خدمتگذار صدیق حقیقی مملکت از فشار طلبکارهای
خارجی راحت شود

رئیس - آقای باسائی

باسائی - البته آقا صدیق میفرمایند که لایحه اعزام
محصلین از نقطه نظر ترتیب کارها مقدم است و خوبست
آقای حشمتی از پیشنهاد خودشان صرف نظر کنند و
بگذارند برای جلسات بعد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند
قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

(خبر کمیسیون عرایض بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای محمد تقی خان اسعد از اول دوره
ابدا غایب نبوده اند اینک نیز مطابق شرحی که بمقام
منیم ریاست عالیہ دامت شوکتہ عرض نمودند برای
انجام امور طبافگی و رسیدگی بامورات داخلی خود
الحجاب میباشد که دو ماه از تاریخ حرکت غایب با اجازه
باشند کمیسیون مضمون تقاضا نامه نمایندہ معزی الیه
را تصدیق و با مرخصی ایشان موافق اینک خبر آن را
تقدیم میباشد محبر اسد الله زوار

رئیس - رأی میکنیم باین خبر آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوم مطرح است
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - محصلین اعزامی باید واجد شرایط
ذیل باشند

الف - تابعیت ایران

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از
طرف وزارت معارف تهیه خواهد شد و نباید کمتر از
پروگرام مدارس متوسطه باشد ، دارندگان تصدیقنامه
مدارس عالیہ یا متوسطه و یا فنی با تساوی شرایط
مسابقه حق تقدم خواهند داشت

ج - تقبل اینکه در ممالک و در شعب علمی که
از طرف دولت معین خواهد شد تحصیل نموده و پس از
فراغ تحصیل و اخذ دیپلم ضعف مدنی را که در خارج
بمخرج دولت تحصیل کرده اند در شعبه تحصیلات خود
بدولت خدمت نمایند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - حاجت بعرض و اظهار نیت که بنده این
لایحه را لایحه سعادت مملکت میدانم و اگر میدانم
برای اظهار نظر باینم نیم رأی از آراء این لایحه کم میشود
این عرض را نمیکردم و چون خیلی علاقه مند هستم
این است که نظر باینم را عرض می کنم که اگر این لایحه
خوب است خوبتر شود اگر مفید است مفید تر شود
در اینجا قبول شدن شاگرد را برای رفتن موکول کرده
است نه مسابقه که اصل مسابقه لا اقل بقدر پروگرام
متوسطه باشد بنده در این باب که فکر کردم دیدم باز
برای محصلینی که با کمال فدا کاری و گذاشتن قوای
دماغی خودشان روی تحصیل و موفق شدن به گرفتن
تصدیق يك بدیختی دیگری تهیه شده است پروگرام متوسطه
را اگر آقایان در نظر داشته باشند يك پروگرام طاقت
فرسائی است علاوه بر اینکه جنبه عمل ندارد
(چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم) يك کسی موفق به پیش
بردن این پروگرام میشود که حافظه اش خوب باشد

آنوقت هم بعد از اینکه موفق به اخذ دیپلم میشود بعد
از سه ماه چهار ماه شش ماه به تفاوت قوای حافظه
اشخاص محققاً از یادش میبرد . این محقق است هرکس
که فی الجمله در معارف بوده یا هرکس که علاقه داشته
باشد به اینکه واقعاً بفهمد مراتب تحصیلات پسرش را
در مدرسه . و بعد از امتحان و بعد از فراغت و گرفتن
دیپلم . این را تصدیق میکند که یادش رفته است . حالا
اینکه یادش رفته دو مرتبه میگویند بیا و امتحان بده
یعنی دو مرتبه بیا و بگو که چند تا دره و ماهور در
جبال بیرنه هست . یا قفقاز جبالش چند تا است یا چند
تپه دارد . که هیچوقت در عمر يك جوانی عملی نمیشود
بالاخره دو مرتبه باید این را از سر بگیرد آن وقت
میگویند کمتر از پروگرام مدرسه متوسطه نباشد یعنی ممکن
است بیشتر باشد این یعنی چه؟! شما آمده اید . این
شاگرد را تا کلاس شش متوسطه یعنی تا کلاس نهائی
درس داده اید آنوقت بموجب ایننامه شما حق دارید
زیادتر از پروگرام سابق هم از اینها بخواهید . این اولاً
تساوی زائد و ناقص میشود . این یعنی چه؟! اگر چنانچه وزارت
معارف يك اضافاتی در پروگرام امسال قائل شده پارسال
که این اضافه در پروگرام نبوده است سابقاً کلاس هفتم يك
معرفة الحيوان داشت امسال نود صفحه معرفة النبات
او افزوده شده . قسمت اصول عقاید و اخلاق افزوده
شده . خوب کسی که فراغ تحصیل از امتحان پیرارسال
بوده حالا که آمده است امتحان بدهد علاوه بر اینکه
به او میگویند کمتر از تحصیلات متوسطه نباشد آبیامیخواهند
مطابق پروگرام امسال او را امتحان کنند؟ و همین
تناسب از کلاسهای پایین يك قسمتهائی افزوده اند تا
کلاس دوازدهم که همین کلاس ششم متوسطه باشد و
بطور تصاعد بالا رفته اند . که اساساً بنده مخالفم فرض
بفرمایید يك رئیسی برای خوش آمدن فلان وزیر یا در
شورای عالی معارف میگوید این قسمت را هم خوبست
و باید که در پروگرام اضافه شود . شما ملاحظه بفرمایید

بحال شاگرد چه میگذرد تا این خوبی را از عهده برآید یک نکته دیگری که هی پروگرام را زیاد میکنند که دولت فرانسه هم گرفتار همین نکته است این است که آنها وقتی امتحان دادند فشار میآوردند که ما کار میخواستیم اینها هم بر پروگرام میافزایند که کمتر گرفتار باشند آنوقت نتیجه این میشود که قوای دماغی محصل ازین میرود. عرض میکنم پروگرام امسال را آمده اند و زیاد کرده اند آنوقت در قانون میبویسد کمتر از پروگرام مدارس متوسطه نباشد این است که بنده میخواهم این نکته را توضیح بدهم که کمتر نباشد یعنی چه؟ یعنی کسی که مدرسه متوسطه را تمام کرده ممکن است مطابق پروگرام مدارس عالییه امتحان بدهد؟ بالاخره این را توضیح بدهند و این مسأله که نوشته اند «دارندگان تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و با فنی یا تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت» در این باب هم بنده چندان مخالفتی ندارم فقط میخواستم معاون وزارت معارف که حقیقه ایشان به گذراندن این لایحه خیلی علاقه دارند توضیح بدهند که مقصود از این قسمت چیست؟ آیا نظر این است که یک اشخاصی که حقیقه در خارج از مدرسه و در یک جاهائی تحصیلاتی کرده اند و حقیقه مردمان فاضلی هم هستند و مطابق پروگرام متوسطه و بلکه بیشتر حقیقه تحصیل کرده اند که بعضی هم در مواقع امتحان داو طلب میشوند اشخاصی که تصدیق نامه دارند بر اینها مقدم خواهند بود؟ چون ممکن است اینها محروم بمانند) یا خیر اگر بخواهند تحصیلات عالییه را تکمیل بکنند بسم الله راه برایشان باز است؟ این اشخاص فضل عمیق دارند و هر کس باینها بر بخورد میفهمد؛ چون خودشان علاقه مند به تحصیل علم بوده اند و نخت دبیرین مدرسه یا فشار پدر و مادر درس نخوانده اند خودشان میل داشته اند رفته اند و درس خوانده اند و عمقاً هم درس خوانده اند آنوقت چه جهت دارد ما حق تقدم قائل شویم برای کسیکه تصدیقنامه دارد؟

با این پروگرام که همانطور که عرض کردم مثلاً میگویند جبال آلی را بگوئید که بد بختانه اگر نگویید رفوزه میشود این هم یکی از بد بختی های پروگرام است بنده عقیده ام این است که اینقدر ها شاگرد نداریم که بخواهیم این تشریفات و قیود را برایشان قائل شویم که این بد بختها محروم بمانند این است عقیده بنده

معاون وزارت معارف - نماینده محترم معلوم میشود پروگرام دوره متوسطه را خیلی زیاد دانسته اند برای انتخاب محصلین اولاً اینکه فرمودند پروگرام مدرسه متوسطه خیلی سنگین است و طاقت فرما است. اینطور نیست تعلیمات وسطی یک مرحله است برای تربیت شاگرد که بتواند ادراک تعلیمات عالییه را بکند این یک چیزی نیست که به مقتضیات زمان با مکان تغییر پذیر باشند که بگوئیم فرانسه یا انگلستان یا بلژیک پروگرام متوسطه اش اینست و ایران بمقتضیات زمان و تناسب مکان باید اینطور باشد تحصیل علم طلب یک مقدماتی دارد. این مقدمات در همه جا یکسان است مهندس یک مقدماتی دارد. که تا این مقدمات را فرا نگیرند نمیتوانند ریاضیات عالییه را بفهمند بالاخره تنظیم و ترتیب پروگرام متوسطه باید همیشه متناسب با احتیاج تعلیمات عالییه باشند چیزی نیست که زمان و مکان در اینجا مدخلیت داشته باشد اگر زمان و مکان تأثیری در پروگرام تعلیمات عالییه کرد البته در وسطی هم باید بکند اگر آقایان احساس میکنند که پروگرام متوسطه ما زیاد است ظاهراً همینطور است ولی سنگین نیست چیزی که هست وسائل موجود نیست مثلاً فرض بفرمائید شیمی، این شیمی که ما داریم همان مواد است که در پروگرام فرانسه یا بلژیک یا یک کم و زیادتی تدریس میشود چیزی که هست برای تعلیم همین شیمی در آنجا ها یک وسائل و یک لابوراتوار هائی دارند که برای فهم شاگردان آسان تر میشود و این پروگرام برایشان خیلی شاق و پر زحمت نیست ولی در اینجا کمتر این وسائل را داریم و بالاخره این

نقص در پروگرام نیست بلکه در وسائل اعمال است و اینکه فرمودند امتحان دوره متوسطه خیلی مشکل است برای اینکه چیزهائی را که یاد گرفته اند بعد از شش ماه فراموش کرده اند و از عهده امتحان شاید برنیایند اینطور نیست ما نمایانیم تمام پروگرام شش ساله متوسطه را از شاگردانی که میخواهند امتحان بدهند امتحان کنیم این موادی که در دوره متوسطه در شش سال درس داده میشود اینها یک رشته هائی است که از سال اول تا سال ششم با هم ارتباط دارد. مثلاً در ریاضیات در قسمت مثلثات وقتی یک کسی میآید مثلثات را امتحان بدهد طبیعی است اگر قسمتهای اول را نداند یا مثلاً مسائل هندسه و جبر و مقابله را نداند یا سایر علوم ریاضی را نداند و کامل نباشد مثلثات را نفهمد پس وقتی که ما میخواهیم ریاضی را امتحان بکنیم دیگر نمی چسبیم که حتماً امتحان حساب هم باید بدهی. جبر را هم امتحان بدهی یا فلان چیز را امتحان بدهی. بالاخره ما همان قسمت مثلثات را که در قسمت سال آخر است آن را که امتحان کردیم از روی او معلوم میشود که تمام این ریاضیات و علوم که مربوط به این قسمت است اینها را شاگرد میدانند و میفهمند و بعبارت آخری آن موادیکه یک ارتباط کامل دارد با تحصیلات اولیه آن را در قسمت سال آخر امتحان میدهند آن موادی که در سال آخر نیست و در سال پنجم متوسطه تمام شده در پروگرام سال پنجم و آنکه در سال چهارم تمام شده در پروگرام سال چهارم امتحان میکنند پس تمام مواد پروگرام همه را در ظرف شش سال یکمرتبه امتحان نمیکند و به مناسبت ارتباط آن با سایر مواد معلوم میشود که همه را میدانند پس اینقدر اشکال ندارد. اما اینکه گفتند کمتر نباشد یعنی بنده خیال میکنم که این دلیلش با خودش است. از یک طرف برای صرفه است. زیرا ما بایستی حتی الامکان سعی کنیم اشخاصی را که میفرستیم هر قدر کمتر در اروپا بمانند برای ما نافع تر است و الا ممکن است که

ما از ابتدائی میفرستیم بعلاوه ما اشخاص مجرب و آزموده میفرستیم برای اینکه بروند در اروپا و زودتر به ادراک علوم موفق شوند و اینکه فرمودند اشخاص فاضلی هستند که تحصیلات منظمی نکرده اند و مسابقه آنها را محروم میکنند در این کار ممکن است اینطور باشد ولی بالاخره در هر قانونی همیشه یک عده محروم هستند همیشه قانون یک جنبه ظلم ولو کم هم باشد دارد و اگر ما بخواهیم مسابقه را بر داریم نتیجه اش چه میشود؟ نتیجه این میشود که شاید آن اشخاص فاضل هر چه مند بشوند اما یک عده زیادی اشخاص غیر فاضل هم در ردیف آنها داخل بشوند و بروند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که آن اشخاص که نمیتوانند بخرج خودشان بخرجه بروند بایستی آنها مقدم باشند بر کسانی که میتوانند بخرج خودشان بروند و بایستی ما این حق تقدم را قائل شویم یکی این نظر را دارم یکی دیگر اینکه وقتی که اینها مراجعت کردند بایستی دو مقابل مدتی که در خارجه تحصیل کرده اند در خدمت دولت باشند معنایش این است که اگر چنانچه در خارجه تحصیل کردند وقتی که مراجعت کردند میبایستی ده سال در خدمت دولت باشند بعد از اتمام این مدت آزاد باشند زیرا ممکن است برای اشخاص عالم کافی که امتحان خودشان را دادند دیگران در صدد برآیند که آنها را استخدام کنند زنده از آن مبلغی که ما به آنها میدهم به این جهت بنده عقیده ندارم کسی که بخرج دولت رفته است و تحصیل کرده است وقتی که برگشت به اختیار خودش باشد بلکه اگر آقایان موافقت بفرمایند عقیده ام این است مکلف باشند بیست سال خدمت بدولت بکنند اگر توجه بفرمایند شاید بد نظریه نباشد

مخبر - اینجا آقای فیروز آبادی در دو قسمت اظهار نگرانی کردند یکی راجع به اولاد اشخاص بی بضاعت که اینها مقدم باشند این مطلب را خود بنده هم عقیده داشتم

و در کمیسیون بودجه هم پیشنهاد کردم ولی بعد از مذاکره دیدیم عملاً تشخیص کار مشکلی است و به این جهت کمیسیون هم با پیشنهاد بنده موافقت نکردند در قسمت دیگر اینکه میفرمایند دو برابر مدتی که تحصیل میکرده است در خدمت دولت باشند کم است و بیست سال در خدمت دولت باشند تصدیق بفرمائید که شاید ده سال هم مورد نداشته باشد علاوه بنده تصور میکنم بعد از ده سال يك مستخدمی دارای يك مقام عالی میشود و از خدمت دولت خارج نمیشود و بنا بر این نگرانی حضرتعالی هم مورد پیدا نمیکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده ماده دوم را قرار ذیل پیشنهاد میکنم

محصلین اعزامی باید واجد شرایط ذیل باشد

الف - تابعیت ایران

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت معارف تهیه خواهد شد

ج - داشتن تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و یا فنی

د - تقبل اینکه در ممالک الی آخر

کازرونی - عرض میکنم اعضای گفتارها از قبیل اینکه ممکن است چنین باشد یا چنین نباشد اینها بکار مجلس و بکار عمل نمیخورد ممکن است یک نفر آدم بی سواد باشد ولی خیلی زکی و فہم باشد آیا این را میتوانی ملاک قرار بدهی؟ ممکن است یک نفر آدم باشد گمنام باشد و تصدیقنامه هم نداشته باشد نطقش هم به او ملک نکند اما تحصیلاتش خیلی خوب باشد و بدرعمل ما بخورد بنده در اینجا خودم ملاک را تصدیقنامه قرار داده ام اما در لایحه تنها ملاک تصدیقنامه نیست و حق تقدم داده شده است بنده عرض میکنم باید ملاک تصدیقنامه باشد برای اینکه اگر ملاک را تصدیق

نامه قرار ندادیم در مسابقه ممکن است همطور که آقای نامداد فرمودند از کوهها یا نحت البحری از اوستوال بکنند و او حاضر نباشد جواب بدهد و بالاخره از چه شعبه از اوستوال خواهد شد؟ تصدیقنامه است که معلومات او را نشان میدهد و چندان معطلی هم ندارد و غیر از این باشد عقیده ام این است که دچار اشکال خواهند شد و بسیاری از مردم ممکن است از این حقوق محروم مانند

معاون وزارت معارف - بنده فرق زیادی نمی بینم اینجا آقا محدود میکنند باینکه حتماً اشخاصی که بطور مسابقه می آیند باید تصدیق نامه داشته باشند این را هم در نظر بگیرند که ما انقدرها را طلب نخواهیم داشت که همه تصدیقنامه در دست داشته باشند ما علاوه بر این که مطابق این اعتبار شاگرد میفرستیم يك عده دیگر هم شاگردانی هستند که از وزارت فوئد عامه و پست و تلگراف و غیره به اروپا می فرستند وقتی نگاه میکنم در سال شاید مجموعاً بالغ بر دو بیست نفر بشوند حالا ما اگر نخواهیم فقط تصدیقنامه را ملاک قرار بدهیم شاید آنقدرها را طلب پیدا نکنیم. ما اشخاص هستند که معلومات کافی دارند ولی تصدیقنامه در دست ندارند خوب گناهی نکرده اند. ما شاگردی است که تحصیلات سال پنجم را کرده و میتواند در موقع مسابقه حاضر شود و امتحان بدهد بنده خیال میکنم این طریقی که معین شده است خیلی بهتر است کازرونی - چون زمینه برای رأی دادن به پیشنهاد بنده حاضر نیست بنده پس میگیرم.

پیشنهاد آقای موقر

بنده پیشنهاد میکنم خرج تحصیل علی عندلیب زاده طهرانی که در خارجه ...

آقا سید یعقوت - این ربطی به اینجا ندارد.

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) عبارت دارندگان

تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و یا فنی یا تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت حذف شود عدل - عرض میشود مطالبی که بنده داشتم يك قدرتش را هم آقای کازرونی فرمودند ولی آقای معاون گویا خوب توجه فرمودند هر حال بنده این عبارت دارندگان تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و یا فنی یا تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت) را يك عبارتی می دانم که جز خفه کردن تحصیلات و تضییع حقوق محصلین ولایات نتیجه دیگری ندارد چرا؟ برای اینکه شما غیر از تبریز و اصفهان و رشت مدرسه متوسطه ندارید فرض بفرمائید بنده يك محصلی هستم و رفتم در قم در تبریز و سیستان و به هزار جان کندن خودم را رساندم يك جائی که میتوانم در مسابقه مدارس متوسطه حاضر شوم. ملاحظه بفرمائید من چقدر زحمت کشیده ام تا خودم را حاضر کرده ام برای امتحان و آنوقت مسابقه را هم که قرار داده اند در طهران باشد باز خودم را با هزار مرارت بطهران حاضر کرده ام از مسابقه هم با سایرین بیرون آمده ام. دلیلش چه چیز است که شما شرط میکنید که هرکس تصدیقنامه مدرسه متوسطه را دارد از مقدم باشد و قبول شود و من قبول نشوم؟ اگر چنانچه این قید نباشد بنده قبول میکنم و موافقت میکنم و لا دو نفر با هم امتحان دادند و واجد شرایط امتحان هم بودند آنوقت شاگردی که از فلان ولایت آمده است تصدیقنامه ندارد او قبول نشود این فقط فیده ش خفه کردن محصلین ولایات است شما اگر چنانچه قائل شوید آنهائیکه تصدیقنامه دارند بدون امتحان و مسابقه قبول شوند ما قبول داریم اگر چه این هم خیلی مشکل است و الا اگر بنا باشد آنهائیکه تصدیقنامه دارند و آنهائیکه تصدیقنامه ندارند یکجا مسابقه بدهند دیگر چرا حق آنها را تضییع میکنید؟ و آنها را عقب می اندازید؟ دلیل ندارد که این شرط را مخصوص میکنید به اشخاصی که در طهران تحصیل کرده اند؟ این حکم را چرا می

کنید؟ بنده رفته ام در خارجه و به هزار زحمت تحصیل کرده ام وقتی که از مسابقه بیرون آمدم باز مرا عقب میگذارید؟ این است که بنده استدعا میکنم این عبارت را حذف کنید که همه علی السویه باشند چرا تبعیض میفرمائید؟

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اولاً بنده استدعا میکنم از تمام آقایان چه مرکز و چه ولایات که خود بنده هم همیشه خادم آقایان نمایندگان ولایات هستم که ولایات چطور و مرکز چطور بالاخره این تفکیک را قائل نشوند همه ماها اهل يك مملکت هستیم ولایات هم مال ایران است مرکز هم مال ایران است تفکیک خوب چیزی نیست که شما میگویید ولایات را کنار گذاشته اند. بالاخره اهل يك مملکت هستیم و همه ولایات هم متعلق به مملکت ایران است اما راجع مسابقه که میفرمائید عرض میکنم مسابقه باید شرایط داشته باشد آن کسیکه تصدیق نامه دارد و میبرد امتحان میدهد و از عهده هم بر می آید این دو تا شئی مرجح دارد هم امتحان خوب داد و هم تصدیق نامه دارد و البته آن کسی که امتحان بدهد و خوب امتحان بدهد و تصدیقنامه نداشته باشد او يك شئی مرجح داشته و البته يك جهانی داشته است که در آن موقع نخواسته اند کسی را که تصدیقنامه دارد با آن کسی که تصدیقنامه ندارد مسابری قرار بدهند و بالاخره بنده تصور میکنم دولت با اشخاصیکه تصدیق نامه دارند و خوب امتحان میدهند دوستی داشته باشد و با اشخاصیکه امتحان میدهند و تصدیقنامه ندارند دشمنی داشته باشد باید يك طوری کرد که آن اشخاصیکه واجد شرایط مسابقه نیستند تحصیلاتشان را تکمیل کنند و ما بایستی دست دولت را باز بگذاریم و با این پیشنهادها وقت مجلس را تضییع نکنیم و بعنایت خدا يك قدم اساسی خیلی مهمی مثل سایر قدمهایی که مجلس ششم الحمدالله بر داشته این قدم را هم برداریم

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای یاسینی

(بشرح آتی قرائت شد)

بند پیشنهاد میبکیم بجای تابعیت ایران نوشته شود ایرانی بودن

مخبر - بنده با این پیشنهاد موافقت میبکیم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میبکیم در ماده دوم تبصره اضافه شود

تبصره - در صورت تساوی شرایط در امتحان

محصلین بی اضعاف حق تقدم خواهند داشت

آقا سید یعقوب - آقای مخبر پیشنهاد آقای یاسینی را

راجع به ایرانی بودن قبول کردند و بنده حالا کار ندارم

ولیکن اینکه میگویند ایرانی باشد ممکن است ایران الاصل

باشد ولی تابع زکیه باشد و مدتی رفته باشد در اسلامبول

پس ایرانی بودن کفایت نمیکند. اما راجع به این مسئله

کمان میبکیم آقای تقی زاده و سایر آقایان و کلا این را

ملاحظه کردند ما تمام کفالت را ملاحظه میکنیم و میگوئیم

اگر چنانچه اشخاص بی اضعاف واجد شرایط امتحان

شدند و خوب از عهده بر آمدند بر آن کسی که اضعاف

دارد و از سرمایه خودش میتواند برود به اروپا و

تحصیل کند حق تقدم داشته باشد این است نظر بنده

معاون وزارت معارف - در این موضوع بحث و

مذاکره خیلی شد هم در کمیسیون معارف و هم در

کمیسیون بودجه ولی تصور نمیکنم که این موضوع عملاً

و نظراً قابل عملی شدن باشد اولاً مبدء این فکر از

اینجا پیدا شده که در سنوات سابق که اعتبار خرج

تحصیل کم بود شاید اعمال نفوذ هائی میشد که از

طبقات متمول و شاید هم بی استعداد بکعبه بخارجه

میرفتند و علی رغم آن عمل این نظریات پیدا شد

ولی حالا اینطور نیست سابق بر این اشخاص را اولیای امور یا رؤسای ادارات و ... متنقدین عمیل خودشان انتخاب میکردند و از اعتباری که در بودجه بود میفرستادند ولی حالا مسابقه و امتحان است که هر کس استعدادش زیاده و معلوماتش بیشتر است و زودتر به نتیجه میرسد ما او را میفرستیم اعمال نظر خصوصی یا غرض شخصی یا استفاده در کار نیست و نمیتواند هم در کار باشد زیرا حالا آقایانیکه در اینجا حاضرند نظر اعمال دولت هستند پس در اینصورت بنده تصور میبکیم که آن نظر اولی که باعث این فکر بوده است منتفی شده و چنین نظری اعمال نمیشود بعلاوه عده که ما میخواهیم بفرستیم داو طلب یعنی با استعداد شاید بقدری کم داشته باشیم که محتاج بلذکر تساوی شرایط نیست و شاید اصلاً مورد پیدا نکند که این نظری که آقای میفرمایند قابل اجرا باشد يك نکته دیگر این است که هر کس از هر طبقه میخواهد باشد غنی فقیر از هر مذهبی که میخواهد تصور کنید در دنیا معرفت آزاد است همه حکم واحد را دارند و هر کس که وارد این مرحله شد بایستی بشراز وجود او استفاده کند و هیچ فرقی نمیکند همین برتنو که چندی قبل مذاکره اش در اینجا بود این شخص بکمر دغنی بود آیا بشر از وجود او استفاده نکرد؟ یا اگر حقیر بود بشر از او استفاده نمیکرد؟ ما همانقدر که استفاده از کفایت و معلومات و اختراعات این علماء میکنیم باید سعی کنیم که اشخاص با استعداد خودشان را بیشتر وارد این مرحله بکنند و آنها را تقویت کنیم که فایده شان بیشتر باشد. ممکن است دو نفر پیدا شوند یکی غنی و یکی فقیر آنکسی که غنی است استعدادش بیشتر از آن فقیر است حالا این که فقیر است بایستی فرستاد و استعداد آن یکی را کور کرد؟

يك مطلب دیگر هم هست که مربوط به قسمت عمل است. همیشه باید قوانین را طوری ساده وضع کرد که عملش محتاج بيك تشریفاتی نباشد و تولید زحمت نکند این مسئله هیچ قابل تشخیص نیست. يك کسی ممکن

است هزار تومان سرمایه داشته باشد صد هزار تومان هم قرض در مقابلش داشته باشد این را شما غنی میدانید يك کسی دوست تومان در ماه عایدی داشته باشد یا کسیکه بدست تومان عایدی دارد و يك پسر داشته باشد کدام غنی ترند؟ ممکن است يك کسی غنی باشد ولی میل داشته باشد که اولاد با استعداد خودش را بفرنگستان بفرستد آیا این گناه کرده است؟ بعضی اینک گفته میشود فلانی يك دوله پشت سرش است میگویند غنی است یا يك کسی که مشهدی و بيك پشت سرش است میگویند فقیر است در صورتیکه این طور نیست. بعلاوه این در عمل دچار اشکال میشود و هر روز ادارات طرف نهمت و افتراهای واقع میشوند این است که استدعا میبکیم این نظر و مبارزه را در این قسمت علم که در دنیا و در نظر مردم عالم محترمی است اعمال نکنید و در اینجا مطرح نفرمائید

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ملک مدنی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میبکیم

در مراکز ایالات که مدرسه متوسطه تأسیس شده است

باید وسائل مسابقه محصلین در همان نقطه فراهم شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - همانطور که آقای معاون تذکر دادند

محصلینی که به اروپا میخواهند اعزام کنند بنده تصور

میکنم در مرکز آن اندازه نباشد و احتیاج پیدا بکنند

که از مراکز ایالات و ولایات که در آنجا مدارس

متوسطه هست تهیه کنند و در صورتی که این قید نشود

تصور میکنم نظرشان این باشد که محصلین مدارس متوسطه

ایالات مراکز بیابند و در اینجا وسائل مسابقشان را فراهم

نمایند ولی این عمل نیست برای اینکه کسی که از فارس

میخواهد بیاید طهران هزار گونه اشکال برایش دارد

یعنی موجبات مسافرت برای او فراهم نیست و هزار چیز

دیگر که قطعاً نمیشود و این يك قضیه است که غیر عملی است و بالاخره محتاج میشوند باینکه یکمده شاگرد فقط از طهران بفرستند و البته در يك چنین لایحه که بمجلس تقدیم شده است و سالی صد نفر شاگرد باروبا فرستاده میشود باید تمام مملکت از اینقسمت استفاده کنند این است که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که دولت مکلف باشد در مراکز که مدارس متوسطه هست و مسائل کار را در اینجا فراهم کنند

معاون وزارت معارف - در ماده اول یکی از آقایان

پیشنهاد دادند بنده هم موافقت کرده

رئیس - در ماده اول عبارت (اعم از مرکز و

ولایات) قید شده است

جمعی از نمایندگان - صحیح است

ملک مدنی - این نظر را تأمین نمیکند.

تقی زاده - هیچ ربطی باین مطلب ندارد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم این مذاکره که

در مجلس میشود اغلب اینها در کمیسیون بودجه هم

مذاکره میشود. آقایان بعد فکر فرمایند از این پیشنهادهای

که میدهند. مثلاً اگر موقعی پیدا شد که بکنفر از

فارس اتفاقاً آمد برای گردش طهران اگر خواست امتحان

بدهد آیا نباید او را در طهران امتحان بکنند؟ زیرا

توجب این پیشنهاد او را دو باره باید برایش يك

مرکوبی بگیرند و بفرستند مرکز خودش که در اینجا

امتحان بشود. در ولایات اسباب امتحان فراهم نیست

اگر يك راهی بگذاریم که دولت در ولایات هم بتواند

امتحان کند مطلبی است ولی وقتی مکلف میکنند که

دولت در ولایات باید وسائل امتحان را فراهم کنند این

يك خرجی هم دارد و ممکن است بفرمایند این پیشنهاد

خرج است ولی ضمناً دولت ممکن است يك خرجی

معین بکند برای اینکه در ولایات امتحان بکنند.

این يك راهی است از برای اینکه اگر دولت بخواهد

تواند در ولایات و ایالات این کار را بکند اما این که

حکماً مکلف است این اسباب زحمت خواهد شد
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قبل توجه میدانند
قیام فرمایند

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید
بعقوب .

(بنحو ذیل خوانده شد)

در ماده ۲ بعد از کلمه مدارس متوسطه باشد اضافه
شود در مرکز

رئیس - فرمائید

آقا سید بعقوب - بنده میدانم که در این لایحه
هرچه عرض کنم فایده ندارد در صورتیکه بنده يك
نظری دارم که روحاً شاید غالب آقایان با آن موافق
باشند زیرا نظر اصلاحی دارم يك مطلبی هم آقای عراقی
فرمودند ولی خوبت درست باین عرض که میکنم توجه
فرمائید این جا نه برای فقیر است آقای شبروانی در
ماده اول دروز يك عبارتی زیاد کرد و آن (اعم از مرکز
بود) که خود آقای معاون و آقای مخبر کمسیون هم
قبول کردند بنده میخواهم به بینم این کلمه را که قبول
کردند می خواهند این عملی بشود یا خیر؟
نه این که در واقع يك عبارتی باشد که ماها
که نماینده ولایات هستیم بگوئیم يك کاری کردیم
لیکن يك جواری واقع شد که در مقام عمل درست نشد
این برای ما نیک است ما میگوئیم نظیرمان باهالی ولایات
و مرکز همه یکی است و در اینجا گفتیم آنها هم از این
نعمت دولت استفاده کنند ولیکن يك جواری گفتیم
که خودمان هم ملتفت نشدیم. بنده میخواهم این کلمه را
که آقای معاون قبول کردند عملی شود عملیش این است
دولت در نظر دارد که در ولایات هم اگر اشخاصیکه
واجد این شرایط بودند پیدا شدند قبول کند این نظر
را دارند نه اینکه نظر ما فقط مرکز است همه اولاد
يك مملکت هستیم و فرقی نداریم همه را ما در نظر داریم

بنده میخواهم عرض کنم که اگر این نظر را دارید
که میگوئید اعم از مرکز و غیر مرکز باشد پس يك
تسهیلاتی در غیر مرکز قائل شوید که این عمق را که
برای مرکز قرار داده اید شامل آنها هم بشود. آن
چطور است؟ مسلماً تصدیق کنید که مدارس متوسطه
مرکز بهتر و بالاتر از مدارس متوسطه ولایات است
و قهراً مرکز باید ترجیح داشته باشد همینطور مدارس
ابتدائی ولایات بهمان اندازه مدارس متوسطه کمتر است.
بنده اینجا اضافه کردم اگر آقای معاون گوش بدهند
که آنوقت فرمایند که فرق مابین فقیر و غنی چیست. فرق
میان بنده و جنابعالی این است که بنده فقیر و شما غنی هستید
این فرقش است. حالا اگر نخواهید عملی شود در مرکز
چون مدارس متوسطه اش اسبابش فراهم است بروکاری
که برای مدارس هست خوب است این کلمه را ما مختص
مرکز بدانیم که اینکه میگویند دادن امتحان مطابق
پروگرام مسابقه که نباید کمتر از پروگرام مدارس متوسطه
باشد در مرکز علاوه شود. یعنی در ولایات ما این را
مناط اعتبار قرار ندهیم باین معنی که هیئت متجنه که
میخواهند عمل نکنند اگر دیدند در ولایات با ایالات
يك شا کرد محصلی هست که دارای يك لیاقت و کفایتی
است این جور پروگرام را نمیشود در باره او ملاحظه
کرد اما اگر ما این قید را نکنیم بکنند از ولایات
نخواهد رفت اگر در ولایات میخواهید عملی بشود همین
اندازه که هیئت متجنه تصدیق کردند که این شا کرد در
ایلات کرمان یا فارس یا خراسان یا آذربایجان دارای
لیاقت است روانه بشود یعنی این قید پروگرام متوسطه
مال مرکز باشد که يك تسهیلاتی نسبت بغير مرکز
باشد. حالا بنده این عرایض را عرض کردم شاید
اکثریت هم خدای نخواسته رأی ندهند لیکن انشاء الله
امیدوارم این زمینه شود برای دوره هفتم که اخلاف ما بیابند
و نظریات ما را به بینند و بدانند که اکثریت توجه نکرد
رئیس - آقای رفیع

رفیع - این لایحه وقتی به مجلس آمد در روز پنجشنبه

چاپ شد و اغلب آقایان نمایندگان که مهم میرسیدند
اظهار میفرمودند که چه وقتی بیاید که این لایحه را با
کمال احترام بگذرانیم...
آقا سید بعقوب - تفهیمیده؟

رفیع - تفهیمیده خیر. بنده عقیده ام این است که
این لایحه اگر تحت یکماهه هم می آمد که صد نفر شاگرد
باید از ایران تا مبلغ معینی برود بخارجه چون همه
آقایان علاقه مند هستند منتهی تا يك نظامنامه که وزارت
معارف مینوشت بایستی تمام آقایان رأی بدهند برای این
که اصل موضوع موضوعی است که تمام آقایان با آن
موافق و همراهند. از یکطرف اظهار موافقت و همراهی
می کنیم که باید هر چه زودتر این لایحه بگذرد ولی
از طرف دیگر بطوری اسباب تأخیر این کار را فراهم
میکنیم که بنده آقایان عرض می کنم که این لایحه در
این دوره نخواهد گذشت برای اینکه الان ملاحظه
میفرمائید بواسطه این پیشنهادها وقت يك جلسه را در
ماده اول تلف کردیم تا آخر جلسه هم چند نفر
تشریف نمی آورند آنوقت اظهار خواهند کرد عذر برای
رأی کافی نیست مهربانند برای جلسه دیگر آقایان میفرمایند
ولایت با مرکز را يك ترتیب کنند آقا بنده يك مثلی
برایتان میزنم: اگر ما شیردوانی داشته باشیم (حالا
اسب مثال میزنم) و بنا بشود که ما شیری بدوانیم در يك
محل یا میدانی و چند شیر بخوانند با هم بدواند اینها
باید در يك محل باشند و نمیشود چند شیر را در
مازندران بدوانیم چندان در جای دیگر اینها باید در يك
محل باشند تا معلوم شود کدام يك از اینها بهتر است
امتحان هم باید در يك محل معینی باشد
و در يك محلی آقایان بنشینند و به بینند
کدام يك از شاگردان بهتر از همه امتحان میدهند و الا
یکی در شیراز آمد و قبول شد یکی در اصفهان یا در
رشت قبول شد دو نفر در جای دیگر آمدند و قبول شدند
مگر ما میخواهیم چند نفر شاگرد فرستیم؟ آنوقت این

دویست نفر اطفال را ما چکار کنیم و چطور شما تمیز
میدهدید و ترجیح میدهدید يك عده را بر عده دیگری؟
دویست نفر را هم که یون نداریم فرستیم. چرا اشکال
نرأشی میکنید؟ برادر من! عزیز من! شما که می بینید
دولت می خواهد محصل فرستد تمام نقاط ایران را
هم يك نظر نگاه می کند این پیشنهادها جز اسباب
معطلی هیچ فایده ندارد مساعدت بفرمائید موافقت فرمائید
که زودتر این لایحه بگذرد البته دولت هم در نظر دارد که
اسباب مسابقه را در ولایات هم تا اندازه که مقدور باشد
فراهم و عمل کند والا این پیشنهادات جز اینکه اسباب تأخیر
کار در مجلس شورای ملی بشود هیچ نتیجه دیگری
ندارد.

آقا سید بعقوب - کسی نیست برای رأی استر داد
می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم الحاق شود:
تبصره - مسابقه در نقاطی از مملکت که مدرسه
متوسطه وجود دارد بعمل آید و وزارت معارف هیئت
متجنه برای این کار معین با روانه خواهد کرد در صدی
شصت از محصلین اعزامی باید بولایات و نقاط مزبور
تخصیص شود مگر آنکه عده کافی برای این تناسب در
آن نقاط پیدا نشود که در آنصورت دولت مجاز است بقیه
را باز از طهران بتزیت مسابقه انتخاب کرده و فرستد
رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده توضیحاتی که لازم بود برای این
پیشنهاد مشروحاً توضیح داده ام ولی برای رفع يك شبهه
باید خیلی صریح عرض کنم و از آقایان تمنا کنم
توجه کنند. هی می بینیم بعد از آنکه يك پیشنهادی
خوانده میشود مثل مسئله غنی و فقیر و بی اضع و
اینها آنوقت نخوانده میگویند چرا آن کسی که خیلی
با استعداد است و غنی است زود و آن کسیکه فقیر است

و بی استعداد است برود؟ در صورتیکه این طرز نیست و پیشنهاد کنند صریحاً نوشته بود در صورت تساوی شرایط که آن کسی که غنی است پدرش بفرستد و آن کسیکه فقیر است دولت بفرستد که دو نفر داشته باشیم عوض یک نفر. ولی باز هم آقایان سه دفعه چهار دفعه همین حرف را تکرار میکنند. حالا باز عرض میکنم ما نمیگوییم همه را از ولایات بفرستند صدی شصت را از آنجا بفرستند و اگر در ولایات پیدا نشد همه را از طهران بفرستند. اگر در تمام ولایات یک نفر پیدا شد همان یک نفر را از ولایات بفرستند و بود و نه نفر را از مرکز بفرستند. دیگر اینکه آن اصلاحی که میفرمایند در ماده اول شده بهیچوجه من الوجوه غیر از یک عبارت خالی بمقصود کافی نمی آید. ما فارسی می فهمیم اعم از مرکز و ولایات یعنی چه از مرکز و چه از ولایات. اعم است. یعنی دولت میخواهد از مرکز بفرستد میخواهد از ولایات. در صورتیکه مقصود این نیست ما میخواهیم دلایل را خوش کنیم که وکلای ولایات و مجلس شورای ملی مطمئن شود که دولت يك حصه از اینها در صورت امکان ولایات تخصیص میدهد در صورتیکه در ولایات محصلین کافی نباشد از مرکز بفرستد. و خواهشمندم که شیرهای ولایات را با شیرهای طهران ندانند برای این که اگر يك شیری را فرضاً بخواهند از طهران انتخاب کنند که اسدالله باشد آنوقت معلوم است که در تمام دنیا یکی است. اما مقصود این است که آن دو سه تا شیری که از تبریز است یا در فارس است و يك قدری لنگ است ولی در محل خودشان اول شیر هستند آنها را هم بفرستند اما آن روز هم بنده عرض کردم اگر این طور است ما در پاریس ده بیست نفر شاگرد ایرانی داریم که در مدرسه متوسطه پاریس تحصیل میکنند پس ما از مدارس متوسطه طهران داوطلب ها را بفرستیم آنجا و با آنها قافی کنیم که در جلو متمجنین مدارس

متوسطه فرنگستان امتحان دهند در اینصورت همه اش میرسد پانهاائی که در مدارس متوسطه پاریس تحصیل میکنند و البته باید توجه داشته باشیم که این اعتباری را که بدولت میدهیم ممکن است این کار را در ولایات نکند و يك خرج جزئی را خود دولت متحمل بشود ولی اگر نخواهد این خرج را دولت بکند آنوقت آن اطفال بدبختیکه از کرمان به امید موهومی می آیند بتهران اگر آنوقت شاگرد طهرانی از پیش برد دوباره باید برگردد به آنجا و يك مخارج گرانی برای آمدن و رفتن باید بکند. در اینصورت ما آن خرج را چرا بگردن افراد بیندازیم ممکن است خود دولت با يك خرج مختصری یکی دو نفر اشخاص با فهم را معین کند و بفرستد ولایات محصلین را امتحان کنند و این ترتیب خیلی بهتر است لذا باز تکرار میکنم پیشنهاد بنده این است که اگر ممکن شد عده را از ولایات بفرستند و بقیه از طهران فرستاده شود و اگر هم هیچ در ولایات پیدا نشد همه را از طهران بفرستند

رئیس - آقای رفیع

رفیع - این پیشنهاد اگر از غیر آقای تقی زاده شده بود من تعجب نمی کردم ولی حقیقتاً متعجبم به آن عشق مفرطی که ایشان داشتند و در کمیسیون بودجه هم اغلب تعقیب میکردند برای گذشتن این کار دیگر چرا این پیشنهادات را میکنند؟! آنچه ممکن بود دولت قبول کند همه را در کمیسیون بودجه ایشان اظهار کردند و موافقت شد و آنچه ممکن نبود در آنجا جواب داده شد که این را ما نمیتوانیم قبول کنیم ولی این جا يك طوری مذاکره میشود مثل اینکه حکماً دولت خیال دارد که از ایالات و ولایات بفرستد در صورتیکه امروز حکومت آن حکومت نیست همان آذربایجانی که فرمودند بنده خودم رفتم دیدم ابداً طرف مقایسه با چندین سال پیش نیست. همان دولتی که امروز آن خیابانها را در آذربایجان ایجاد کرده

همان دولت و حکومتی که آن وضعیت را به آذربایجان داده. همان حکومتی که آن سر نیزه های براق را در آن سرحدات بسکار انداخته بالاخره همان حکومت فکر میکند برای معارف آنجا چه باید بکند. امروز آقا روز کنفرانس و نطق و روز نامه که فقط بحرف بگذرد نیست. امروز روز نامهها منتشرند این که عمل را مینویسند عمل وقایع را مینویسند دولت آنچه میتواند بکند امر داد. ماها اگر موافقیم راست میگوییم و میخواهیم شاگرد اعزام شود با رویا و در آنجا تحصیل کنند باید همینطور رأی بدهیم و دولت خیلی دل سوز تر از ما است. دولت نتیجه فکر خود ما است. این را بنده چندین مرتبه در مجلس عرض کرده ام که دولت يك چند نفری هستند که نتیجه فکر ما وکلای و اکثریت مجلس شورای ملی است يك چند نفری است که اسمش دولت است این کسیکه دولت است دل سوز است برای مردم اعم از مرکز و ولایات و آن ترتیبی را که لازم است برای آسایش مردم ایجاد می کند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای تقی زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بشکل تبصره ۲ عاده دوم الحاق شود: تبصره - اشخاص بی بضاعت با تساوی شرایط دیگر قانونی حق تقدم خواهند داشت. تعیین میزان عدم بضاعت بسته بنظر وزارت معارف است که از روی مدارکی که در نظامنامه وزارت معارف معین خواهد شد احراز خواهد کرد.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده برای اینکه زودتر بگذرد لایحه استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای باستانی

(مضمون آتی خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره - محصلین اعزامی برای تحصیل معارفی و علمی حقوق باید مخصوصاً دارای تصدیقنامه شعبه اولی مدارس متوسطه باشند.

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده در عین حالی که با این لایحه موافق هستم ولی از نقطه نظر اینکه همیشه برگرام بنظر وزارت معارف است این پیشنهاد را کرده که در پروگرامی که تهیه میشود بیشتر توجه باین قسمت بشود. تصدیق می فرمائید که زبان در تعلیم و تربیت مخصوصاً در علوم فلسفی و اجتماعی فوق العاده مدخلت دارد. زبان فارسی اصطلاحات علمی ندارد و اصطلاحات علمی متداولی در این مملکت بیشتر عربی است. ما هنوز نتوانسته ایم بجای مقوم علیه يك لغت فارسی پیدا کنیم. محصلین ما که میروند بخارجه و برمیگردند قسمت های ادبیشان ناقص است. یعنی تحصیلاتی که مربوط به ادبیات فارسی و عربی است تکمیل نمیکند و با اصطلاح يك عده از فضایل مملکت بی سوادند و حقاً هم بی سوادند چرا برای اینکه در این مملکت اینطور شده که اگر يك عبارت عربی خوانده شود عامه مردم آن را میفهمند مثلاً اگر بگویند معارفی همه می فهمند اما اگر بگویند (پدا کتری) این را نمی فهمند و لزومی هم ندارد ولی اگر شما بگویند خبرالامور و اسطها این عبارت عربی است ولی همه آن را می فهمند در صورتیکه تحصیلات عربی هم نکرده اند. لذا بنده عقیده ام این است که برای فن معارفی که برای تفهیم و تفهم است از نقطه نظر متعالمین ایران زبان عربی اهمیتی داده شود لذا بنده این پیشنهاد را کردم که محصلینی که ما میفرستیم بخارجه که بروند تحصیلات مربوطه بمعرفی با علم حقوق بکنند باید ادبیات فارسی و عربی شان کامل باشد و تصدیق نامه شعبه ادبی متوسطه را داشته باشند. شما در عدلیه بروید

بینید این دیپلمه های مدرسه حقوق امروزه خودمان چه در خارج تحصیل کرده اند و چه در داخل آنطور که بابت از عهده قضاوت بر آیند بر نمی آیند. چرا برای اینکه حقوق مدنی ما اصطلاحات خاصی دارد همین قانون مدنی را بایستی اصطلاحاتش را خوب بدانند و بلد باشند چرا برای اینکه عرض کردم اصطلاح عامی ما بزبان عربی است. بزبان عربی طوری ادغام شده است در زبان فارسی که بالاخره يك ورب ها و فعل هائی برای فارسی باقیانده و يك روابطی و الا نقیه عربی است اغلب مشافهات و محاورات صد هشتاد صد هفتاد عربی است. بنده خیال میکنم باید وزارت معارف مكلف باشد که در پروگرام خودش این دو قسمت را منظور نماید. حالا راجع مهندسی و سایر شعبات فنی شاید اینقدرها ادبیات مدخلیت نداشته باشد ولی در قسمت تحصیل علم حقوق و معامی بالخصوص باید محصلین تحصیلات عربیشان کافی باشد و الا وقتی برگشتند باین مملکت هر چه هم باسواد باشند در عرف این مملکت بیسوادند دیگر بسته است بنظر آقایان معاون وزارت معارف - تا سی چهار سال قبل و شاید تا بیست سال قبل در اروپا معمول بود که ارتباط مستقیمی بین علوم آزاد و شعبه متوسطه ادبی میدادند و همچنین يك ارتباط خیلی نزدیکی هم قائل میشدند بین علوم صحیبه و شعب عامی تا بیست سال قبل این عادت بوده از بیست سال قبل باین طرف که در همین علوم آزاد تحقیقات زیادتر شده و مبنای استدلال و منطق در این علوم تغییر کرده این عقیده هم تغییر کرده يك وقتی خیال میکردند که تاریخ فوق العاده مهم است در حقوق ولی حالا این طور نیست حالا می بینند که علوم طبیعی و فیزیک و شیمی و همین طور علوم ریاضی هم تأثیر و دخالت مستقیم در تحقیقات علوم اجتماعی و همینطور فلسفی دارد و الان يك شاگردی که قسمت عامی متوسطه را دیده باشد و برون بمدرسه حقوق خیلی زیادتر از يك شاگردی است که قسمت ادبی

را دیده باشد آقا تصور میکنند کسانی که در قسمت ادبی متوسطه تحصیل میکنند اطلاعات ادبی شان خیلی زیادتر است این قدرها فرق ندارد همان ادبیات همان تاریخ شعراء را که در قسمت ادبی میبینند همان را تا يك درجه ضعیف تر که اختلاقی خیلی کم است در مدرسه متوسطه می بینند. اینقدرها فرق با هم ندارد که بگوئیم آن اشخاص که میروند در قسمت تحصیل علم حقوق باید دیپلم قسمت ادبی متوسطه را داشته باشند. زیرا کسانی که میروند قسمت علوم طب را تحصیل میکنند اگر قسمت ادبیات را نداشته باشند چندانی فرقی ندارد بلکه فرق بعکس است آن کسانی که میروند در قسمت ادبی و اجتماعی و سیاسی و مالی اگر دیپلم قسمت عامی مدرسه متوسطه را داشته باشند خیلی بهتر است و معلومانشان هم عمیق تر و دقیق تر است و خیلی قوی تر و بهترند باضافه در عمل هم مشکل است ما نمی توانیم مسابقه بگذاریم و بگوئیم بیست نفر مسابقه بدهند در قسمت ادبی بیست نفر در قسمت عامی بعلاوه دو شعبه دیگر هم داریم يك سیکل دو متوسطه تجارتنی هست و يك سیکل صنعتی که جدیداً داریم ایجاد میکنیم پس ما باید چهار رکن برای متوسطه قائل شویم و بگوئیم بدو طلبین که هر کدام میخواهند تحصیلات عامی بکنند مطابق این رشته ها بایستی بیایند امتحان بدهند و این بالاخره هم يك تشریفات زیادی است برای بگردد محصلینی که باید در يك رشته تحصیل کنند و همچنین مزاحم است بعد از شا کردها میشود و بالنتیجه چیزی هم عابد مان نمیشود فرق بین تصدیق نامه شش ساله متوسطه با ادبی شاید رو بهمرفته شش ماه یا هفت ماه یا یکسال باشد خوب آن کسی که میروند آنجا تعلیمات را فرا گیرد وقتی می آید طهران شش ماه هفت ماه شخصاً کار کند ادیب و فاضل هم بشود این است که آنقدر اشکال ندارد از این جهت استدعا میکنم که پیشنهاد خود مان را مسزید کنید

باسائمی - اجازه می فرمائید؟ با این که اختیار تهیه پروگرام مسابقه با وزارت معارف است بنده خواهش میکنم

که يك امان نظری هم از این حیث بشود و فعلاً بنده این پیشنهاد را استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین ترتیب خوانده شد)

تبصره دوم اضافه شود.

تبصره - محصلین اعزامی از کلیه مملکت اعم از مرکز و ابالات که دارای مدرسه متوسطه هست باید بشود و امتحان محصلین ابالات در همان محل بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده میدانم چون پیشنهادی که کرده ام قبول نمی شود استدعا میکنم و امیدوارم آقای معاون این نظریات را در نظامنامه ملاحظه کنند و بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فهمی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بند (ب) از ماده دو بطریق ذیل نوشته شود

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت معارف با موافقت شورای عالی معارف تهیه خواهد شد

رئیس - آقای فهمی

فهمی - پیشنهاد بنده مطابق قانون شورای عالی معارف است که در آنجا مخصوصاً قید شده که شرایط و پروگرام محصلین با لیاقت که بخارجه اعزامی شوند و مواد راجع به تحصیل آنها در شورای عالی معارف معین می شود و این ماده هم هنوز لغو نشده باین مواد آن نظامنامه که برای مسابقه تهیه میکنند البته باید با موافقت شورای عالی معارف باشد.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده خیلی متأسفم که يك قانون باین

خوبی این قدر دارد طول میکشد اگر هر آینه در قانون شورای عالی معارف يك همچو چیزی هست یا نیست که نمیشود تمام مواد قانون شورای عالی معارف را اینجا آورد قانون شورای عالی معارف دست وزارت معارف است و البته هر قانونی که لغو نشده آن وزارتخانه در اجرای آن قانون این ملاحظه را دارد که با هم تضادی پیدا نکند شما اینرا بگذارید دست خود وزارت معارف باشد و اصرار نفرمائید و بگذارید این لایحه زود تر بگذرد و این قدم خوب بر داشته شود.

فهمی - اجازه میفرمائید؟ مقصود بنده تذکر بود حالا برای اینکه آقای عراقی زیاد عصبانی نشوند مسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین شرح خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) بجای لفظ کمتر نوشته شود (در حدود پروگرام مدرسه متوسطه باشد)

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم يك قسمت توضیحات را بنده عرض کردم باید در قانون نگاه کرد مرحله عمل و اجراء این لفظ کمتر نباشد یعنی ممکن است بیشتر باشد و همین لفظ مبهم محدود میکند دائره دار طلب های مسابقه زیرا بحکم احصائیه خود مان صد و چند نفر شما فارغ التحصیل شش کلاس متوسطه دارید امسال صد و چهل نفر شاگرد باعده که از وزارت خانه ها می فرستند باید بخارجه بفرستید. سال دیگر انشاء الله دوست و چهل نفر باید بفرستید و هکتا سالهای بعد که بخارجش بهشصد هزار تومان میرسد همین نسبت که مخارج زیاد میشود عده شاگرد هم زیادتر میشود در اینصورت دائره مسابقه را نباید وسیع قرار داد وانگهی اگر شما میخواهید شاگردان این مدارس يك دلگرمی داشته باشند چرا شرایط را زیادتر تحمیل میکنید. این است که بنده پیشنهاد کردم شرایط مسابقه از طرف وزارت معارف در حدود پروگرام متوسطه باشد. میفرمائید برای صرفه جوئی

است اگر برای صرفه جوئی است اصلاحات کرد نفرستید این صرفه جوئی بیشتر است. بنویسید مطابق پروگرام مدارس عالییه ما قبول میکنیم والا کمتر نباشد یعنی ممکن است مطابق پروگرام مدارس عالییه امتحان بدهند و مدارس عالییه عده اش محدود است و ما آنقدر ها شاگرد نداریم. بنا برین این قسمت را که در حدود پروگرام مدارس متوسطه باشد قبول بفرمائید

معاون وزارت معارف - بنده درست نفهمیدم مقصود آقای نامداد چیست برای اینکه بالاخره بین الفاظ باید يك مناسباتی باشد وقتی گفتیم (مسابقه) دیگر فرق نمیکند چه بگذاریم در حدود معلومات متوسطه چه بگذاریم کمتر نباشد فرض میکنیم ما قرار دادیم مدرسه ابتدائی از این پائین تر که نمیشود ولی وقتی که مسابقه شد و شاگرد مدرسه حقوق هم شرکت کرد از در مسابقه پیش میبرد. معنی مسابقه این است. چه فرق میکند؟ چه بنویسید در حدود معلومات متوسطه چه بنویسید کمتر. علاوه فرض کنید پنجسال بعد شاگرد های مدرسه عالی ما زیاد شدند و توانستیم دویست نفر سیصد نفر شاگرد از مدارس عالییه بفرستیم آنوقت آیا باید باز منبای مسابقه مان را پروگرام متوسطه بگیریم؟ نه آنوقت بالاتر را مآخذ میگیریم و میگوئیم پروگرام سال دوم با سوم مدارس عالییه باشد برای اینکه بتوانیم زودتر شاگرد را از خارجه بر گردانیم و زودتر نتیجه بگیریم پس بنده خیال میکنم خود ماده مقصود را میرساند.

نامداد - چون عده برای رأی کافی نیست بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی (شرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

وزارت معارف - میتواند ماده نفر از شاگردانی که در خارجه مشغول تحصیل هستند بدون مسابقه و فقط با دین دیپلم متوسطه آنها یا تصدیق مدرسه فنی که در آن مشغول هستند اکتفا نماید ولی مشروط بر این

که محصلین مزبور بی بضاعت بوده و نماینده دولت عدم بضاعت و استیصال و استحقاق او را تصدیق کند.

رئیس - آقای دشتی - غالباً جوانهایی که اینجا به نمایندگی کتب داده میشود مطابق حرف آنها نیست. بنده متحیرم که چرا اینطور جوابها بسؤالات داده می شود! علتش این است که هنوز پیشنهاد خوانده نشده يك کسی اجازه میخواهد و آنوقت مجبور است يك جوانهایی بدهد. باید يك قدری صبر کرد پیشنهادها قرائت شود و يك قدری هم وقت کرد نه اینکه چون دولت لایحه را اینجا آورده ما همینطور رأی بدهیم. بالاخره لایحه را مجلس برای این میآورند که اگر يك کسی دایل صحیحی داشته باشد شور بشود و هرکس حرفی دارد بزند. چند پیشنهاد قابل توجه اینجا رد شد که حقیقه اگر چنانچه انسان بخواهد آنرا درست بشکافد خیلی مضحک است و حقیقه برای يك مجلسی عیب است که این پیشنهادات را رد کند منجمله اینجا گفته شد که اگر دو نفر هر دو يك دیپلم داشته باشند و هر دو مثل هم باشند شما بیایید بی بضاعت را بفرستید. این چرا باید رد شود؟ آنوقت با میشوند میگویند شاید آدم با بضاعت با هوش تر باشد در صورتیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب در صورت تساوی تمام شرایط بود که هر دو يك نمره بگیرند يك جور امتحان داده باشند آنوقت یکی بی بضاعت باشد یکی با بضاعت. حالا پیشنهادی را که بنده عرض کردم خواهش میکنم آقایان رفقا به بدی بنده ملاحظه نکنند مطلب پیشنهاد را ملاحظه کنند عرض کنم که يك عده ما در خارجه داریم که مشغول تحصیلند حالا اینها را سوء اتفاق یا بد شانس یا چیز دیگر در خارجه انداخته بنده بکنفر از ایرانیها را در پاریس دادم حقیقه متأسر شده روز گذشته هم عرض کردم این بیچاره مجبور است از ساعت دوازده شب برود در جرائد کار بکند ضمناً هم يك تحصیلی نکند و این شخص حاضر بود که دولت ماهی بیست و پنج تومان

بیش بدهد هر شعبه را که دولت بخواهد برود تحصیل کند رای اینکه بی بضاعت است و قدر پول را میداند و حقیقه بیست تومان سی تومان میتواند برود تحصیل کند باز یکی از جوانهای فاضل دیگر ما بود در پاریس که او حالا مشغول مترجمی است و کارهای دیگر میکند و استعدادش بقدری خوب است که شاید بتواند در ظرف دو سال تحصیلی را که در ظرف شش سال دیگران میکنند نماید و بحقوق کم هم اکتفا میکند بنده پیشنهاد کرده دهنفر از این جور شاگرد هایی که نمایندکان ما استیصال و پریشانی آنها را اذعان کرده باشند مثلاً راجع باین شاگردی که عرض کرده چندین مرتبه علائمی هم بوزارت معارف تلگراف کرده است و تصدیق کرده است که دولت باید باو يك کمکی بکند چه ضرر دارد که این شاگرد عیالاً جزو این دسته شود و راهش هم آسان است تصدیق آن مدرسه را بفرستند که در کلاس اول و دوم فلائجه دارد کار میکنند این بعقیده بنده صلاحیتش بیشتر است از اغلب کسانی که در طهران امتحان میدهند و میخواهند آنها را بفرستند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بعضی پیشنهادها را آقای دشتی در ضمن اشاره فرمودند که خیلی برای مجلس عیب است رد شدن آقایان نمایندکان میدانند که بعضی پیشنهادات يك ترتیبی است که تطبیق بر مصادیقش خیلی سخت است سرکار پیشنهاد میکنند اشخاصی که در آنجا هستند و قسیرند ده نفر از این ها را جزو اینها حساب میکنند و خرجش کم است اگر گمان میکنم این را تصدیق بفرمائید که غالب اینطور چیزها را ما بدیم که غمنا نگذاشتند بقرا برسند. الان هم خیلی شاگردان در خارجه هستند که اشخاصی که در اینجا ولی آنها هستند با کمال یا کیزیکی حاضرند همینقدر که به بینند اینطور شد فوراً فشار بیاورند بوزارت معارف و بچه های خودشان را ولو با استشهاده که سنجاق کنند و بگیرند فقیر و بیچاره اند و هر صفتی را که شما برای

فقیر ذکر کنید آنها همانوقت ایجاد میکنند پس بنده میگویم هر طور که دولت پیشنهاد کرده نقطه بنقطه رأی بدهیم اولاً همه شما آقایان اکثریت مجلس هستید دولت هم لوایحش را با شما بیرون از مجلس مشورت کرده و بعد از مشورت شما آورده مجلس اینجا هم که میآید صحبتها آن را میکنید ولی بعضی را که ملاحظه میفرمائید بنده که جزو اکثریت هستم با آقای رفیع با سایر آقایان قبول نمیکنیم برای اینست که در عمل دچار محظورات می شود البته آن قصدی را که شما دارید چیز خوبی است ولی در عمل خدا میداند برعکس میشود و شما خودتان تأسف میخورید از اینکه کاش این پیشنهاد را نکرده بودیم این است که بنده از حضرت عالی خواهش میکنم صرف نظر بفرمائید چون همان عیبی که عرض کردم پیدا میشود بعد خودتان بدولت تذکر بدهید که يك پیشنهادی برای این اشخاص بیاورد و ما همه رأی میدهیم. ملاحظه فرمودید برای پسر آقا شیخ محمد حسین که آقای نقی زاده پیشنهاد کردند همه ما همراهی کردیم چون بریشان بود و تحصیل میکرد ولی اشخاص دیگر را ما گرفتار میثوم برای اینکه تجربه بما اینطور نشان داده لذا استدعا میکنم صرف نظر بفرمائید.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (این شکل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که همان لفظ نابعیت که در لایحه دولت و خبر کمیسیون میباشد در ماده باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده توضیح مختصری دارم. لفظ نابعیت که در لایحه کمیسیون بود بعقیده بنده بهتر بود زیرا ممکن است اگر لفظ ایرانی باشد چه بسا ایرانیهایی که در خارجه هستند و ممکن است مشمول بشوند بنا

بر این بنده این پیشنهاد را کردم

اعتبار مخبر کمیسیون بودجه - این ایراد را خود بنده در نظر داشتم اصلاح کنم که هر دو قسمت باشد هم ایرانی بودن هم تابعیت حالا که آقای فیروز آبادی پیشنهاد کردند بنده قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی

(مضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را بماده ۲ اضافه و پیشنهاد میکنم
اعلان مسابقه محصلین دوماه قبل از موقع آن در تمام مملکت منتشر میشود
رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - این تبصره را بنده برای این پیشنهاد کردم که غالب آقایان نمایندگان ولایات معتقدند محصلین ولایات هم اعزام شوند و تصدیق میفرمائید که اگر مدت اعلان کم باشد تا محصلین آذربایجان یا کرمانی خبر بشوند مدت منقضی شده و مسابقه هم بعمل آمده بنده این پیشنهاد را کردم که در تمام مملکت دو ماه قبل اعلان شود که اگر کسی داوطلب باشد مستحضر شود.

معاون - بنده موافقت میکنم

رئیس - رأی گرفته میشود بماده دوم بضمیمه دو فقره اصلاح که از طرف آقای یاسائی شد و آقای مخبر قبول کردند آقایانیکه با ماده دوم باین ترتیب موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده سوم - دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط بتحصیلات آنها است مصدر خدمت نماید و چنانچه

از تاریخ مراجعت بایران تا مدت شش ماه خدمتی به آنها رجوع نگردید میتواند برای خود شغل دیگری تدارک نمایند ولی هر گاه بعداً تا مدت چهار سال استخدام آنها مورد احتیاج دولت واقع شد بآنها اخطار میشود و پس از سه ماه از تاریخ اخطار باید حاضر خدمت شوند در اینصورت اگر بلافاصله خدمتی ارجاع نگردید دولت مکلف است مادام که خدمتی رجوع نکرده حقوق رتبه آنها را پرداخت نماید

تبصره - مواد ۶۷ و ۷۳ قانون استخدام کشوری شامل حال محصلین مذکور نخواهد بود و دولت میتواند محصلین مزبور و همچنین کلیه کسانی را که از مدارس عالیّه فارغ التحصیل شده و باخذ دیپلم (از درجه لیسانس به بالا) نائل آمده اند بدون طی خدمت ابتدائی بارتبه ۳ اداری بخدمت بپذیرد و با رتبه ۶ اداری آنها را پس از توقف دو سال در یک رتبه بارتبه بالا تر ارتقاء بدهد

رئیس - آقای نامداد

نامداد - مفاد این ماده خصوصاً تبصره این است که دولت میگوید غایت و نتیجه تحصیلات استخدام دولت است. از اول تا آخر این وعده را میدهد تحصیل در سابق یک نقطه نظر و یک نتیجه پیش مردم داشت ولی در دنیا امروز چنانکه در جلسه قبل عرض کردم یک موضوع دیگر دارد پیش درس میخوانند برای اینکه حقیقه چیز بفهمند زحمت میکشیدند و قوای خود را صرف میکردند، چشم خود را رویش میگذاشتند امروز در دنیا تحصیل و تربیت معنایش این است که یک نفر مسلح و آراسته شود برای زندگانی عالماً و عملاً این ماده میگوید تحصیل برای این است که تو وقتی این تصدیق را در دست گرفتی من تو را میگذارم بخدمت خود ما چه میل داریم؟ چه آرزویی داریم؟ معارفان باید در چه قالبی ریخته شود و پایه اش روی چه ترتیب استوار شود روی اینکه کسی که میبود در مدرسه از اول شروع کند باراسته کردن او برای زندگی بهتر چنانکه ممکن است وادار کند بکنفر جوان بکنفر طفل یک محصل را که واقعاً از اول

برای سعی و عمل آماده شود این است که تمام امیدهای انکالی او را قطع کنند. اینکه زرکان از کوخ فقرا بیرون آمده اند برای اینکه تکیه بهیچ چیز نداشته اند فقط تکیه به سعی و عمل خود داشته. میدانستند که نه باصلاح باغ بالا دارد و نه آسیاب باین و میگوید خودم قائم به خودم هستم این است که غالب فضا و عقلا از کوخ فقرا در آمده اند برای اینکه تکیه بجائی نداشته اند و بالعکس کمتر در طبقه آقا زاده ها پیدا میشود که واقعاً در رأس تاریخ واقع شده باشند باز نوانغ باشند. هستند ولی کم. ما اینجا باید بگوئیم که ملت و بودجه ایران و مجلس شورای ملی او و مقامات عالیّه او بشها فضل کرده تحصیل ابتدائی را بجائی قرارداد مدرسه متوسطه هم مفتوح کرده و حالا هم بشها میگوید تشریف بیارید بخرج مملکت و بودجه مملکت بروید تحصیلاتتان را تکمیل کنید و تحصیلات عالیّه و بعد بیاید برای خودتان و برای مملکت فایده داشته باشید و عائله تشکیل دهید. اینجا اول دولت را مکلف میکند میگوید دولت مکلف است این اشخاص را با استخدام خودش قبول کند این شخص در ابتدائی که بجائی تحصیل کرده تا متوسطه هم که بخرج پدرش بوده، حالا هم که بخرج دولت می رود بعد هم که تکیه باین قانون دارد در اینصورت البته هیچ فکر نمیکند که یک روزی روز در ماندگی من باشد و من برای آن روز در ماندگیم خودم را باید آماده و مسلح کنم. ماده میگوید دولت مکلف است او را بخدمت بگمارد و در ماده قانون استخدام کشوری هم در ماده او نقض شده. از اول بارتبه سه قبولش میکنند بعد هم او را باید دو سال بدو سال بالا ببرند در صورتیکه مستخدمین دیگر شش سال به شش سال بر حسب مقتضیات اداری ترقی میکنند. این قانون از اول تا آخر طبیعت انکالی را پرورش میدهد. میگوید تو خاطر جمع باش همان تصدیقنامه را بگیر دیگر هیچ کارت نباشد. بارتبه سه می پذیرمت و خرجت را هم که داده ام بعد هم که بالا بروی در عرض چند سال رتبه

را میگیری. سال دیگر اگر بمان قطب دین حیدر شوی بنده اگر کله مکلف است به (میتواند) تبدیل شود قبول میکنم یعنی دولت میتواند بگوید من یک احتیاجاتی دارم خصوصاً در قسمت معلمی یا مهندسی و شاید اگر این فید نشود این آدم حاضر نشود این را البته باید بگوئیم که (دولت می تواند) که حق دولت هم محفوظ بماند که اینقدر پول داده اگر خواست از او استفاده کند نگویید حاضر نیستم. موجب کدام قانون؟ شما فقط بمن گفتید برو تحصیل کن منم رفتم تحصیل کردم. اگر چه هیچوقت اینکار نخواهد شد و بد بختی این کار را نخواهند کرد اما معذک بنویسید (دولت میتواند) که این حق دولت هم محفوظ بماند دیگر اینکه مینویسد همچنین کلیه کسانی را که از مدارس عالیّه فارغ التحصیل شده و باخذ دیپلم از (لیسانس بیالا) نائل آمده اند فلان... این قسمت را بنده واقعاً در کمیسیون بودجه ملتفت نشدم و حالا متنبه شدم و دیدم که در قانون ما برای محصلین یک حقوقی در اینجا معین کردیم و حالا هم میخواهیم جدیت کنیم و یک چیزی هم اینجا بکنجانیم یعنی اگر کسی فارغ التحصیل از مدرسه شد... بنده بخل ندارم ولی این صلاح نیست شما می خواهید مستخدم زیاد کنید هی دایره استخدام را وسیع میکنید! آنوقت ممکن است شامل آنها هم بشود و در خدمت از رتبه سه باشد و هی بروند بالا. میخواهیم اعزام محصل باوریا بکنیم این مسئله دیگری است. پس این قسمت را بیائید در قانون استخدام اصلاح کنید آنقدر شما تشویق خدمت نکنید باین جهت باعکس بودن دولت بنده مخالف بارتبه سه وارد شدن و دو سال بدو سال بالا رفتن هم مخالفم. فقط درباره معلمین میتوانم موافقت کنم چرا؟ برای اینکه واقعاً معلمی در ایران مبتذل شده وقتی شما نگاه کنید به معلمین واقعاً باندازه پیشخدمت هم حیثیت ندارند. پنج تومان و هفت تومان و شش تومان حقوق بآنها میدهند. حالا شما سی و پنج نفر را در صد نفر مکلف میکنید که باید معلم باشند. بنده از این جهت ممکن است موافقت

بکنم اما فلاکس آقا که بخرج دولت در مدرسه طب شما تحصیل کرده بعد عم بخرج دولت مبرود طبیب می شود. آنوقت چه تکلیفی است برای دولت؟ چرا دولت با رتبه سه او را میزند؟! مگر وزیرت دو تومان نمی گردد! با وقتی عیادت مبرود پنج تومان نمیگردد! بده فقط در باب معاین این ترتیب را قبول میکنم که ابتدا حق تعلیم را ازین بریم چون قانون استخدام هم تا بحال برای آنها معین نشده و ارتقاء رتبه نسبت بانها منظور نگردیده ولی نسبت بسازین خیلی هم از خدا بخواهند و نمون بشوند که دولت بانها خرج تحصیل بدهد و آنها را بفرستد که بک مردمان عالم را کاملی بشوند و برگردند و باید نوشت دولت از او میتواند استفاده کند. نه اینکه هم مکلف است پول بدهد و هم او را با استخدام بر قرار کند.

معاون وزارت معارف - آقای نماینده محترم در ضمن بیانات خود همچو اظهار کردند که اگر تا کرده بخرج دولت بروند و تحصیل کنند و بعد برگردند و آزاد باشند هرگز است و بحال مملکت مفید تر است بن راننده انکار نمیکنم همینطور هم هست البته آزاد باشد بهتر است ولی باید دید نقطه نظر دولت در تقدیم این لایحه چه بوده. اگر تنها نظر بسط علم و معرفت بود این البته صحیح است اما این نیست دولت يك حاجتی هم دارد میخواهد که آن حاجتش بر آورده شود و آن مسوولیتی که بعهده وست درست ایفا شده باشد چنانکه آقایان البته ملاحظه فرموده اند دولت از چندین سال باین طرف شروع کرد برای رفع همین حاجت که يك اعتباری در بودجه خودش بگذارد برای فرستادن شاگرد به فرانکستان. وزارت فواید عامه مهندس میخواهد، صحبه طبیب میخواهد، وزارت معارف معلم میخواهد، همینطور سایر وزارتخانه ها. این لایحه برای این تدوین شده است که اولاً شاگردها در تحت نظر و مسوولیت يك وزارتخانه و سرپرستی يك سرپرستهای کافی و دقیق و عالمی قرار بگیرند و بالاخره آن نتیجه که دولت میخواهد

بگیرید البته زیاد است ولی اگر بخواهید همه را مربوط کنید می بینید همه اینها لازم است. از يك طرف ما محصلین را موظف میکنیم که بروند تحصیل کنند و برگردند ضعف مدت را بشما خدمت کنند آنوقت اگر بخواهید هیچ مزایائی برای آنها قائل نشوید کسی حاضر نمیشود بنده عرض می کنم برای این ده نفر که چند روز قبل میخواستیم بفرستیم فقط بیست و هفت نفر حاضر شده بودند آنوقت اگر يك همچو تضییقاتی بشود قطعاً کسی نمیرود پس باید يك مزیتی قائل شد. آن مزیت هم این است که اولاً دولت را مکلف کنیم که آنها وقتی برگشتند حتماً کار داشته باشند و بکی اینکه با آنها حتماً تحمیل نکنیم که شما بیاید مطابق قانون استخدام خدمت کنید تازه بیاید سی و دو تومان حقوق بگیرد این است که شرط کرده ایم آنها را به رتبه سه وارد کنیم که هم تشویق از آنها شده باشد و هم منظور دولت فراهم شده باشد و رفع حاجتش شده باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - در فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت میشود)

پیشنهاد آقای بامداد

پیشنهاد میکنم (مکلف است) تبدیل شود به کلمه (میتواند)

بامداد - بنده توضیح زیادی ندارم همان است که عرض کردم و این يك کلمه ایست که هم برای دولت خوب است و هم برای آنها ولی این کلمه مکلف است اسباب زحمت خواهد شد

خبیر - بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای معاون وزارت معارف دادند و با توضیحاتی که در کمیسیون بودجه در این باب داده شد این پیشنهاد صلاح نباشد محصلینی که بخارج فرستاده میشوند و زحمت میکنند همانطور که دولت آنها را مکلف میکند باید يك مزایائی هم برای آنها قائل شود و الا يك شاگردی که مدت نه سال تحصیل میکند قانون استخدام باز اجاره میدهد

که برود در ادارات دولتی و هر دو سال يك رتبه بالا برود در اینصورت دلیل ندارد که اینها بروند این همه زحمت بکشند و با وضعیت فعلی قانون استخدام از رتبه اول وارد شوند و همان سی و دو تومان را بگیرند. دولت خواسته است تشویق بکند که آنها بروند باین جهت آمده معافیت تا رتبه سه را برای آنها قائل شده و بعقیده بنده این خیلی لازم است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای بامداد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از کلمه (مکلف است) اضافه شود در صورت احتیاج.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اصل موضوع درست معلوم نیست آنچه که بنده عقیده داشتم در این اقدامی که دولت کرده است این بود که يك کاری بکنند که انقلاب علمی و ادبی در مملکت ایجاد کنند نه اینکه بخواهد دولت برای استخدام مستخدمین خودش يك راهی درست کند بنده عقیده ام این بود. بنده بکنفر از نمایندگان هشتم و رأی میدهم باین صد هزار تومان و حاضر دو مرتبه رأی بدهم چون همینجور که ملل راقیه که ترقی کردند ترقی شان این طور بوده است که يك دفعه يك عده را روانه کردند. یکی دو سه ناروانه نکردند يك مرتبه بکعده زیادی روانه کردند و برگشتند و آمدند يك انقلاب علمی و تجددی در مملکت ایجاد کردند.

بنده عقیده ام این است و این لایحه هم اصل و فلسفه اش باید این باشد نه اینکه ما بخواهیم طریق کمترات یا استخدام مستخدمین را برای دولت معین کنیم. بنابر این اگر این است بگوئید دولت محتاج است برای تعلیم و تربیت و استخدام در فنون مختلفه يك عده را در تحت

شرایط معینی استخدام کند و روانه نماید. اگر این لایحه را آن جور میخواهند تنظیم کنند و لا این مقدمات که سال اول صد هزار تومان سال دوم دو صد هزار تومان تا برسد سال ششم بشصده هزار تومان با این منافات دارد چون معنی میبود روی فلسفه عامی و انقلاب تجدیدی و بنده عقیده ام اینست که با این ترتیب بهتر نتیجه میگیریم تا اینکه ما بیائیم شرایط را از برای مستخدمین دولت قرار بدهیم این چند نفری که رفتند بر میگرددند میآیند در بین آنها قوای ادارات و آن فواید را ما حاصل نمیکنیم و ملت متجدد نمی شود ملت رو بر ترقی نمی رود اصطلاح چراغی است که شعاع او محدود بهمین جا میشود نه بیک چرغی است که در مملکت روشن کرده بشیم و مملکت را زنده کرده بشیم. حالا نظر باین شرایط عرض میکنم منافات ندارد که دولت مکلف باشد اما در صورت احتیاج اینها را قبول کند که بگذارد نگاه بنفس پیدا کنند و اینقدر توجه با ادارات نداشته باشند چنانچه بعضی در تلگراف بیسیم زحمت کشیده اند و میگویند بنده حاضر برای استخدام رتبه اول را هم باز نمیدهند. بگذارید عالم زیاد شود در مملکت نه مستخدم که پس فردا برای منتظرین خدمت با آقای دادگر دست بگیریم شویم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - این فلسفه را که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و خیال میکنند این لایحه باید بیک انقلاب علمی و ادبی در مملکت ایجاد کند بنده تصور میکنم از این ماده سوم که مینویسد دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط تحصیلات آنهاست مصدر خدمت نماید جلوه گیری و مانع از آن انقلاب علمی و عملی نخواهد شد. اولاد دولت با ملت فرق ندارد که میگویند مستخدم دولت زیاد می شود. مستخدم دولت با بنده و حضرت عالی و سایر آقایان همه افراد این مملکت هستیم و باین مملکت خدمت میکنیم و این فبده اش اینست که عجاله بیک تشویقی

از آنها میکنند چون اگر یک کسی عملش در یک فنی خیلی خوب باشد و دولت بخوهد او را استخدام کند قانون استخدام مانع اوست و باید او را کنتراست کنند اما اینجا نوشته ایم دولت مکلف است برای این که وقتی که برگشت بمملکتش آن علمی را که تحصیل کرده از بین نبرد. چه باید کرد؟ ما هنوز خیلی چیزها است که نداریم فعلا در مملکت ما هر چه هست با دولت است. و دولت باید اینها را تشویق کند تا با نظمیان بروند و تحصیل کنند و برگردند تا اینجا و دولت هم باید مکلف باشد که هم از اینها تشویق کند و هم استفاده و البته اینها بیکار نباید مانند و از علمی که تحصیل کرده اند بوسیله کار خودشان باید استفاده بدهند

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قید فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در عوض دولت مکلف است نوشته شود محصلین مکلف هستند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده تصور میکنم این ماده از روی حسن نیت نوشته شده و مقصود اساس دولت این بوده که بیک عده محصل با پول مملکت اروپا بفرستد ولی بنده خیال میکنم که در طرز تحریر مبتدا و خبر این ماده اشتباهی شده و بنظر متناقض میآید بنده الان ماده را میخوانم تا آقایان ملاحظه فرمایند. مینویسد: «دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط بتحصیلات آنهاست مصدر خدمت نماید و چنانچه از تاریخ مراجعت بازران تا مدت ۶ ماه خدمتی آنها رجوع نگرددید میتوانند برای خود شغل دیگری تدارک نمایند» ابتدا در مبتدا بایک جمله دولت را مکلف میکنند ولی در خبر آنها را آزاد میکنند در صورتیکه باید نوشته شود

محصلین مکلفند که اگر دولت خدماتی دارد حتما قبول کنند و چنانچه بعد از شش ماه دولت خدمتی بآنها رجوع نکند آنوقت آزاد هستند که بروند و برای خودشان شغل آزادی پیدا کنند منظور دولت هم گویا همین بوده چنانچه از اول لایحه تا آخر تمام شرایط را برای محصل قرار داده برای دولت شرایطی قرار نداده فقط در تبصره بیک حقوقی برای محصلین قائل شده و حقا هم باید قائل شود.

اما اینکه بعضی از آقایان برای این محصلین دلسوزی میکنند مثل این است که اینها را باردبیل میفرستند که در آنجا مشغول اعمال شاقه باشند. این طور نیست بعقیده بنده در ظرف این پنج شش سال این اشخاصی که میروند خوش بخت ترین اشخاص هستند زیرا با پول دولت میروند و در بهترین نقاط دنیا مشغول تحصیل میشوند و بیک آدم عاقل و کامل و تحصیل کرده میشوند و بر میگردند و جامعه هم بآنها احتیاج پیدا میکند. البته هر کس هم که با پول خودش رود آنجا و تحصیل کند خوش بخت است تا چه رسد باین اشخاص که صد دینار و سه شاهی از مردم بدبخت مالیات میگیرند و خرج سفر و تحصیل باینها میدهند و با پول دولت و مملکت ایشان را برای تحصیل اروپا میفرستند پس حتما باید از وجود این اشخاص استفاده کرد و حقا محصلین را باید مکلف کرد. اگر هم مقصود چیز دیگری است خوب است توضیح بدهند تا بنده پیشنهادم را مسترد بدارم.

خبر - تصور میکنم آقای شیروانی توجهی به قسمت «ج» ماده دوم فرمودند و این پیشنهاد را فرمودند ماده دوم قسمت «ج» را بنده میخوانم. ملاحظه فرمایند بموجب این ماده مجبورند هر خدمتی را که دولت بآنها رجوع میکند قبول کنند و آنها ضعف مدنی را که بخرج دولت تحصیل کرده اند مجبورند در عوض بدولت خدمت کنند و این خدمت هم پس از فراغت از تحصیل و اخذ دیپلم در شعبه تحصیلاتشان خواهد بود. پس چنانچه ملاحظه فرمایند در این

قسمت محصل را مکلف کرده ولی در بیک قسمت هم دولت باید مکلف باشد. بطور اختصار بیک حسابی کرده ام ولی حالا اجازه فرمائید عرض میکنم تا دیگر نظیر این پیشنهاد نشود.

بکنفر محصل که امروزه از بیک مدرسه متوسطه بیرون میآید و تا کلاس نه را بیشتر ندیده مطابق قانون استخدام در یکی از ادارات دولتی میروند بعد از شش سال برتبه چهار میرسد ولی بکنفری که از اینجا اروپا میروند و چندسال در آنجا درس میخوانند و زحمت میکشد تازه که میآید در اینجا برتبه سه پذیرفته میشود و حال آنکه تحصیلات این دو نفر هم هیچ طرف نسبت با هم نیست و البته دولت تا گزیر است که برای بیک محصلی که دوازده سال تحصیل کرده بیک حقوقی قائل شود زیرا این آدم وقتی که آمد و در اداره رفت دیگر نمیتواند زیر دست بکنفر محصل کلاس نه ابتدائی کار کند.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی.

شیروانی - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فهمی

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سه را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط به تحصیلات آنهاست در حدود معلومات و زحماتشان پس از خدمت ابتدائی در رتبه دو تا چهار استخدام کشوری بخدمت بگمارد

رئیس - آقای فهمی

فهمی - در این ماده آقای آقا سید یعقوب اظهار مینمایند میخواهیم انقلاب علمی درست کنیم اما متأسفانه پیشنهادی که میفرمایند این پیشنهادشان عناصر انقلاب را از حلقه لایق میکنند چطور پول بدهیم؟ و چه کار کنیم؟ این حرفها هیچ نتیجه ندارد بلکه بنده آن قسمتی را که آقای شیروانی گفته بیشتر تأیید میکنم. در قسمت اول این محصلین را امید وار میکنم ولی در قسمتهای دیگر قید میکند

که پس از ششماه اگر دولت يك كاری بانها نداد آنها می توانند کاری برای خودشان پیدا کنند و با اینحال باز شرط شده است که تا چهار سال هر وقت دولت وجود آنها را لازم بداند میتواند آنها را بر گرداند و این شرط بکلی قدمت اول را از بین میبرد و نتیجه این میشود که این آقایان تا گرد ها (که هنوز معلوم نیست کی ها هستند) تشویق میشوند ما که نمیخواهیم این ها را از مملکت خارج بکنیم ما میخواهیم قانون وضع کنیم برای اینکه بروند و بر گردند خود آقایان میدانند مگر ما در مملکت چقدر اشخاص تحصیل کرده و عالم داریم که حالا میترسیم از اینکه اینها بیج شش سال دیگر که بر میگردند وارد کار شوند ما وضعیت چند سال بعد را هیچ نمیدانیم تا آنوقت قانون استخدام چه وضعیتی خواهد داشت؟ و طرز مواد و اجرای آن تا آنوقت چه شکل خواهد بود؟ زیرا يك معایبی در قانون استخدام هست و باید اصلاح شود از قبیل ماده ۶۷ و ۷۳ یا مواد دیگر که معلوم نیست تکلیفش از چه قرار خواهد بود. مثلاً یکی از معایبی که این ماده دارد در جمع بخدمت ابتدائی است که محصلین باید معاف باشند امروزه قانون استخدام خیلی از ممالک را که بنده دارم یکی از شرایطی که خیلی اهمیت میدهند همین مدت خدمت ابتدائی است درجات خدمت را سه چهار طبقه میکند یعنی لازم نیست که تمام مستخدمین دولت از اول ورود بخدمت دارای يك رشته معلومات باشند درجات اول معلوماتش باید کمتر از درجه بالائی باشد و همینطور به بالا. آنوقت هر کس در هر طبقه که وارد میشود باید از شش ماه تا سه سال خدمت ابتدائی بکند اگر از عهده امتحانات خوب بر آمد آنوقت باو کار میدهند. زیرا ممکن است يك شخصی در مدرسه تحصیلات خوب کرده باشد و امتحانات عالی را هم خیلی خوب بدهد ولی وقتی در عمل داخل شد از عهده خدمات بر نیاید این يك اصولی است که در همه جا معمول و مجری است. این اشخاص هم که در خارج

تحصیل میکنند و اطلاعات بدست میآورند ناچار برای آنها باید يك خدمت ابتدائی قائل شد. تا در عمل اگر خوب از عهده بر آمدند که هیچ و اگر از عهده خوب بر نیامدند دیگر دلیل ندارد که آنها را نگاهدارند این است که بنده پیشنهاد کردم دولت آنها را نگاهدارد رتبه دوتا چهار هم از ابتدا با آنها داده شود که خیلی رتبه پایین با آنها داده نشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اگر چه آقای فهیمی فرمودند که بنده عصبانی میشوم ولی در این مورد انصافاً ایشان نه ملاحظه دولت را کردند و نه ملاحظه محصلین را. آقای آقا سید یعقوب که آن پیشنهاد را کردند ملاحظه حال دولت را کردند و بنده جوابشان را هم عرض کردم. ولی سرکار مراجعات حال دولت را هیچ نگرفته اند و پیش از این هم جواب عرض نمیکم.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بهار

(باین نحو قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده سه ضمیمه شود تبصره - هر کدام از افراد فارغ التحصیل که بخرج دولت تحصیل کرده و دولت او را با استخدام دعوت نموده باشد میتواند حاضر بخدمت دولتی نشده و برای خود شغل آزاد اختیار نماید مشروط بر اینکه تمام مخارجی را که دولت در مورد آن محصل نموده است از عهده بر آید

رئیس - آقای بهار

بهار - به عقیده بنده این ماده با تمام رعایت اطراف درست شده و ماده خوبی است که دولت تهیه کرده ولی يك نقصی در این جا هست که بنده تصور میکنم بوسیله این پیشنهاد آن نقص مرتفع میشود. در اینجا بطور افراط و تفریط عقاید آقایان مذاکره شد. بعضیها عقیده دارند که با این ضیق بودجه دولت يك عده را میفرستد و تحصیل میکند

و میآیند این جا و این جا که آمدند باید آزاد باشند این به عقیده بنده صحیح نیست. زیرا این عمل برای دولت هائی خوب است که ثروت زیاد داشته باشند و مستخدمین عالم و فاضل زیاد در دوائر شان کار میکنند در اینصورت اگر دولت برای خدمت مردم و ملت نبراً يك چنین عملی را عهده دار شود یعنی چند نفر را بخرج خودش بفرستد و اینها بروند تحصیل کنند و وقتی که بر میگردند آزاد باشند خوب است. ولی برای مملکت ما که از هر حیث ضعیف است. هم از نقطه نظر بودجه و ثروت و هم از نظر داشتن افراد و اعضای کافی و لایق اداری این ترتیب خوب نیست. و اینها را که میروند باید مجبور باشند بدولت و مردم استفاده بدهند. از طرفی هم بعضی از آقایان معتقدند که وقتی این شاگردها از فرنگ برکشند هم دولت مکلف باشد آنها را با استخدام دعوت کند و هم آنها مکلف باشند هر ساعت که دولت خواست و اراده کرد دست از کارشان بردارند و بیایند استخدام دولت را قبول کنند و نوکر دولت شوند این قسمت هم بعقیده بنده صحیح نیست و باید این دو نظر را گرفت باین معنی که اگر تا شش ماه از آنها دعوت نشد و این اشخاص رفتند و برای خودشان کار پیدا کردند مثلاً مهندسی شدند و يك حقوقی برای خودشان تحصیل کردند دیگر مجبور نباشند بعد از چهار سال يك دفعه دست از نوکری و کار خودشان بکشند و با رتبه سه اداری بیایند و نوکر دولت شوند و این البته صحیح نیست. ما امروز را نباید نگاه کنیم و نظرمان باید باین باشد که در این مملکت راه آهن و کارخانه خواهد آمد و کار زیاد خواهد شد. و در مملکت تجارت رونق خواهد گرفت و شرکت ها دائر خواهد شد. افراد تحصیل کرده مثل امروز بیکار نخواهند بود و ما یقین داریم که در آتی چه مؤسسات داخلی و خارجه باین اشخاص محتاجند و با حقوق گراف این ها را استخدام خواهند کرد لهذا طوری ما باید این قانون را بنویسیم که هم دولت آزاد و مختار باشد در دعوت این ها و هم این ها مکلف باشند

که بیایند در مملکت و به مملکت خودشان استفاده بدهند و در عین حال اگر يك نفری آمد و تحصیلات صحیحی کرد و نخواست برود و نوکری دولت را نکند و ماهی چهل تومان یا شصت تومان بگیرد و خواست نوکری برای خودش پیدا کند و چنین شخصی آزاد باشد و دولت نتواند پشت گردن این آدم بزند و او را برای نوکری خود بیاورد. خوب در این صورت چه باید بشود؟ در این موقع باید آن پولی را که دولت برای او خرج کرده بدهد و پوی کار خودش برود.

یکی از نمایندگان - با قاطع

بهار - حالا با قاطع یا غیر قاطع آرا بنده نظری ندارم. و البته مرضی الطرفین خواهد بود. در هر حال مراد بنده این است که برای محصلینی که نمیخواهند نوکر دولت شوند و میخواهند آزادانه برای خودشان شغلی پیدا کنند درد سر برایشان ایجاد نشود و هر روزه يك وزیري بتواند بیاید و اسباب زحمت این ها را ایجاد کند این شخص باید آزاد باشد منتهی وقتی که کار آزادی برای خودش پیدا کرد باید از عهده مخارجی که دولت برایش نموده بر آید این ترتیب در سایر ممالک دنیا هم نظائر دارد در کمیسیون معارف هم در این خصوص خیلی مذاکره شد. آقای معاون هم موافق بودند لهذا خواهش میکنم آقایان با این ترتیب موافقت بفرمایند زیرا ضرری ندارد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - آقای بهار در ضمن توضیح پیشنهاد خودشان و عقایدی که راجع باین موضوع فرمودند جواب هر يك را هم علیحده دندند و در قسمت پیشنهاد خودشان اجازه میدهند که بنده فقط جواب همان پیشنهادشان را بدم البته تصدیق میفرمایند که دولت ناچار نیست و وقتی که این کار را میکنند البته نظرش برای رفع احتیاجات است. بالاخره وقت نباید تلف شود. شش سال که بخرج دولت رفته و زحمت کشیده حالا که بر میگردد برای جامعه و مردم باید فائده داشته باشد آقا شاید خودشان

خوب بدانند که در مملکت يك كميان هائي هست که به محض اینکه فهمیدند که دولت حاضر است پولش را بگیرد و مستخدم را آزاد بگذارد فوری حاضر میشوند که يك دفعه بيست هزار تومان بدهند و خودشان از آن مستخدم استفاده برند - آقای عدل فرمودند با قساطر بدهد بنده عرض میکنم خير يك دفعه هم حاضرند عوض مستخدمين بدهند و آنها را براي کارهای شخصی خودشان استخدام کنند. پس ما نباید این ترتیب را قبول کنیم دولت برای استخدام شخص خودش که میخواهد بلي اگر براي استخدام شخص خودش بود بنده هم مخالف بودم ولی دولت برای ستخانه وزارت خاها و استفاده عموم میخواهد و جامعه و مردم باید از اينها استفاده برند - پس باید با همان ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده موافقت کرد تا مملکت میتواند از وجود اينها فايده بهره در شش ماه اول اگر دولت لازم داشت استخدام میکند و اگر تا آنوقت لازم نداشت تا مدت چهار سال هر وقت سه ماه قبل دولت آنها اطلاع داد باید حاضر شوند. يك چیز دیگری که شده عرض میکنم این است این آقایانی که داوطلب رفتن میشوند و بالاخره امتحان میدهند از این ترتیب و تصمیم دولت قطعاً اطلاع پیدا خواهند کرد. دولت که میخواهد جماعتي را بیاورد زنجير کند و آنها بگوید حکماً برو تحصیل کن. خير البته اینها هر روزه روز نامه میخوانند و روز نامه امروز را می بینند و از قانونی که از مجلس گذشته اطلاع پیدا خواهند کرد و بپندارند که میل ندارد نباید خواهند شد و زور نیست. البته هر کس که میل ندارد نباید و هر کسی هم که حاضر میشود با قبول این شرائط است. هیچ عبي ندارد که بنها بروند و تحصیل کنند و برگردند و مستخدم دولت شوند و مملکت خودشان استفاده کنند. پس خوب است خود آقای بهار هم موافقت کنند و همانطوریکه در قانون نوشته شده قبول کنند.

رئیس - ای میگیریم به پیشنهاد آقای بهار آقایانیکه

قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت قسمت اخیر ماده سه از کلمه ولی تا آخر حذف شود

شریعت زاده - نقطه نظر آقایان نمایندگان و دولت این است که اشخاص که فارغ التحصیل شده اند مکلف باشند که ضعف مدت تحصیل را در ادارات درائی خدمت کنند البته این صحیح است ولی در ضمن پیشنهاد شده که پس از مراجعت اگر دولت کاری بآنها نداد و ایشان کار آزادی برای خودشان پیدا کردند بعد از چهار سال باز دولت این حق را داشته باشد که آرا دعوت کند. بنده بجهانی با این قسمت مخالفم. عرض این است که اولاً در اعزام محصلین بخارجه نقطه نظر مجلس و دولت تهیه عده کافی اشخاص متخصص براي رفع احتیاجات مملکت است و نظر اساسی این است که در این مملکت وسائل تولید ثروت و دفع احتیاجات عامه فراهم شود. بنابر این اگر بعد از مراجعت آنها يك نفر یا پنج نفر از ایشان طرف احتیاج واقع نشوند و رفتند کار آزادی برای خودشان تعقیب کردند و در مدت چهار سال برای زندگانی خودشان يك تشکیلاتی دادند آنوقت هیچ انصافی اجازه نمیدهد که رشته زندگانی آنها را که برای خودشان تهیه کرده اند دولت بهم زند و اساساً هیچ زدی نیست که آن چهار سال اول مبرزترین مراحل زندگانی يك جوانی است و وقتی که يك تشکیلاتی در امور زندگی خودش داد انحراف از الزام باین که نقشه زندگانش را بکلی بهم زند این برخلاف مصالح مملکتی است. بعلاوه مافعلاً تصور میکنیم که بقدر کافی مؤسساتی که سرمایه کافی داشته باشند و بخواهند از وجود این اشخاص استفاده کنند نداریم ولی آیا بعد از پنج شش سال دیگر هم مسئله همینطور است ؟ و تصور نمیشود سرمایه ها بکار میافتند و ماشین ها و مؤسسات

بقدر کافی در مملکت تشکیل شود؟ باین جهت بنده تصور میکنم که این الزام خوب نیست به علاوه در موقعی که مراجعت کردند دولت باید تشخیص بدهد که بوجود این اشخاص محتاج است یا نه؟ اگر محتاج است که آنها را دعوت کند و اگر هم نیست آزادشان بگذارد دیگر الزام باینکه پس از چهار پنجسال که اینها رفتند و برای خودشان کاری پیدا کردند این مخالف با آب اصلی است که در مملکت باید ظرفدار مشاغل آزاد بود و بالاخره اشخاصی باید در مقررات زندگان خصوصی خودشان آزاد و مختار باشند. در سابقه آن کار کنند

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در ضمن جواب آقای بهار عرض کردم که اصلاً نظر مجلس به خير عموم است. نظر نظر عموم است نه نظر اشخاص بنده هم تصدیق میکنم ممکن است اسباب زحمت برای بعضی ها باشد و متأثر شوند ولی از طرف دیگر باید این فکر را هم کرد که چندین میلیون نفوس ایران و مردم مملکت از این ترتیب خوشوقت خواهند بود ما در امور باید جنبه عمومی را در نظر بگیریم نه جنبه خصوصی را. ما الان معلم نداریم وقتی که يك عده از این شاگردان برای معلمی میروند وقتی که بر میگردند البته هر وقت دولت لازم بدانند باید از وجود اینها استفاده کند و اینها باید معامی کنند. همینطور مهندس فردا ممکن است کارخانجاتی در این مملکت تأسیس شود. ما حالا بقدر کافی مهندس نداریم اینها که میروند البته باید از معلومات خودشان به مملکت و دولت و مردم استفاده بدهند. فردا ممکن است در مملکت کار زیاد شود و ما بوجود این اشخاص محتاج خواهیم بود و باید فائده ببریم و بالاخره اینها هم زیاد نباید متأثر باشند. البته اینها که میروند و يك اطلاعات علمی تحصیل میکنند و بر میگردند باید از معلومات خودشان به مملکت استفاده بدهند زیرا از پول ملت و مملکت تحصیل میکنند و آن کسیکه از پول مملکت استفاده میکنند باید استفاده هم

بدهد. و بالاخره چون متضمن منافع عمومی است از این جهت نباید خیلی آزاد باشند لذا استدعا دارم آقایان هم همین ترتیب موافقت کنند که زود تر بگذرد شریعت زاده - بنده مسترد میدارم پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده اصلاح ذیل را در ماده چهار پیشنهاد میکنم که تا مدت شش ماه در اول ماده مبدل سه ماه و تا مدت چهار سال مبدل شود به دوازده سال و آخر ماده که نوشته شده که مادام که خدمتی رجوع نکرده اضافه و یارد نکرده

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مکرر بنده این عرض را کرده ام و از آقایان استدعا دارم دلتنگ نشوند این لایحه صد هزار تومان نیست بلکه بیست کرور سی کرور است. و يك چیز جزئی نیست که ما میخواهیم زود بگذرانیم. يك مبلغ خیلی کلی است و باید خیلی بدقت در آن مطالعه شود. با يك مسابقه نمیشود يك همچو لایحه باین مهمی را گذرانند. حالا هم وقت گذشته. پیشنهاد ختم جلسه هم شده اگر حالا مقتضی میدانید همین حالا اجازه بدهید عرضم را عرض کنم و الا برای وقت دیگر مذاکره شود. در اینجا نوشته شده تا شش ماه تا سه ماه کافی است چرا شش ماه باشد و بعد از سه ماه باید باز رجوع کنند در جای دیگر نوشته شده مدت چهار سال اگر باز رجوع نکردند معلوم میشود دولت دیگر حقیقی باو ندارد و این مدت را باید زیاد کرد و زود سال قرارداد زیرا از پول این ملت ترقی کرده و باید باین ملت هم خدمت کنند پول مردم است. شوخی نیست. باید کاملاً مراعات کرد. هر وقت دولت خواست که خدمت باو رجوع کنند باید قبول کند اگر قبول نکرد باید بخارجی که در باره او شده پس بدهد نمیشود زود از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام آقایان درست ملاحظه کنند اگر خوب است قبول کنند و الا رد کنند

مخبر - عرض میکنم این قضیه طرف افراط و تفریط

و وظیفه خودش را فهمید هر وقت که برگشت بجامعه و مملکت و فقرا و بالاخره کسانی که بار احتیاج دارند خدمت خواهد کرد زیرا يك آدم وظیفه شناس هیچ وقت از زین بار خدمت بمملکت شانه خالی نمیکند. نظر دیگری که از تدوین این ماده در کار بوده این است که اطفالی را که دولت بفرنگ میفرستند وقتی که رفتند و تحصیل کردند از زحمت و علم خود شایسته فائده ببرند و تحصیلات آن ها بی ثمر نماند. در این نظر هم بنده تصور میکنم اختصاص نباید داد که چون این ها را دولت بفرنگ بخرج خودش میفرستد از این جهت همین عده بخصوص زندگان شان تأمین شود و از آنها رعایت شود. بلکه همه همین حالات را باید داشته باشند لهذا بنده هیچیک از این دو نظر را در این مورد وارد نمیدانم از این جهت پیشنهاد حذف این ماده را نمودم زیرا موردی ندارد که حکماً یا اطفال مجبور و مقید باشند یا دولت مکلف بآستخدام این ها باشد.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ولی يك رأی بیشتر باقی مانده

(پس از قدری تامل عده اراکین بمسئله وارد شدند)

رئیس - رأی میگیریم به ماده سوم آقایانیکه موافقت

قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جلسه را ختم میکنیم

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

بخودش گرفته منظور دولت و مجلس تنها این نیست که این مستخدمینی که میروند تحصیل میکنند دچار زحمت بشوند نظر دولت این است که اینها بروند و از وجودشان استفاده کنند. اینکه گفته میشود میخوانند بروند بروند نروند نروند این خوب نیست باید ضمناً این ها را تشویق کرد و وسایل تشویق و ترغیبشان را فراهم نمود و چون نظر همین است که بروند تحصیل کنند خوب است حضرتعالی هم با آنها همینطور مساعدت فرمایند فیروز آبادی - اگر خاده هستند میروند

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس تصویب نشد. پیشنهاد آقای زعیم

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده سه حذف شود.

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بنده آنچه که از ماده سه استنباط کرده ام

دیدم از تدوین این ماده دو نظر داشته اند یکی اینکه

دولت در نظر داشته با پول ابران يك اشخاصی بخارجه

بروند و تحصیل کنند و وقتی که بر گشتند اگر دولت

خواست از وجود آنها استفاده کند آنها مجبور باشند

بدولت استفاده بدهند بنده تصور میکنم اصلاً این مسئله

فرستادن شاگرد با روپا يك کار پدرانیه است. و هیچ

پدری نیست که وقتی بچه اش را به مکتب فرستاد با يك

شرایطی باشد وانگهی آدمی که رفت و درست تحصیل کرد